

۳- وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِن نِّسَابِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسًا ذَلِكُمْ تُوَعِّظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ . کسانی که از زنان خویش اظهار می کنند ، سپس به آنچه گفته اند برمی گردند و اعاده می کنند (و به زوجیت برمی گردند) (کفارۀ این گناه) آزاد کردن یکک بنده است پیش از آنکه با زن خود تماس گیرند ، این است سخنی که بشما پند می دهد ، و خداوند به آنچه شما می کنید آگاه و باخبر است ،

۴- فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسًا فَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكُمْ لِيَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ . پس هر کس برده نیابد ، دوماه پشت هم روزه گیرد پیش از آنکه زن و شوهر با هم تماس گیرند ، و کسی که نتواند روزه بگیرد ، شصت نفر فقیر را غذا دهد ، این حکم برای این است که به خدا و رسولش ایمان آورید ، و این است حد ها و حکم های خداوند که در دین خود برای مردم نهاده ، و کافران (این حکم) را عذابی دردناک است .
۵- إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كَذَّبُوا كَمَا كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنزَلْنَا آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ . کسانی که با خدا و رسولش خلاف کنند ، شرمنده و رسوا خواهند شد ، چنانکه مردم پیش از اینها که مخالفت با رسول خدا کردند شرمنده و رسوا شدند ، در صورتیکه ما پیغامهای روشن و استوار فرو فرستادیم و کافران را عذابی خوار کننده است .

۶- يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ . آن روز که خداوند همه را به کارهایی که کرده اند برمی انگیزد و آنان را آگاه می کند و خداوند آن کارها را دانسته و یادداشت کرده و شماره نموده و آنان آنرا فراموش کرده اند و خداوند بر هر چیزی گواه است .
۷- أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِن نَّجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا آذَنُ مِن ذَلِكُمْ وَلَا أَكْثَرُ إِلَّا هُوَ وَمَعَهُمْ آيَاتُ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ . آیا نمی دانی (ای محمد) که خداوند به آنچه در آسمانها و زمین است دانا است ، هیچ سه راز کننده ای نیستند مگر آنکه خداوند چهارمی آنها است و نه هیچ پنج نفری اهل راز ، مگر آنکه خداوند ششمی آنها است و نه کمتر از آن و نه بیشتر مگر آنکه خداوند با آنها است هر جا که باشند ، پس از آن در روز ستاخیز کارهایی که در دنیا کرده اند به آنها خبر می دهد که خداوند به همه چیز دانا است .

۸- أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَهَوْنَا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نَهَوْنَا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِيَا لَيْلٍ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ . آیا نمی بینی آنها را که از راز کردن با یکدیگر باز زدند ؟ آنگاه به آنچه آنها را باز داشته اند برمی گردند و با یکدیگر در بزه و ستم و دشمنی و نافرمانی رسول خدا راز می گویند و اذاجاؤك حبؤك بما لم يحبك به الله و يقولون في انفسهم لو لا يعذبنا الله بما نقول حسبنهم جهنم يصالونها فيئس المصير . و چون نزد تو آیند تو را سلام کنند (به گفتن سلام بر تو) به درودی که خداوند او را به آن درود نکرده ا و پیش خود می گویند : چرا خداوند ما را بر این چیزی که می گوئیم عذاب

نمی کند ؟ (اگر محمد پیغمبر است). بگو: آنان را دوزخ بسنده است که آنرا می افروزند و بد بازگشت و سرانجامی است.
 ۹- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِآلَاتِهِمْ وَالْعُتْدَانِ وَمَنْعَصِبَتِ الرَّسُولِ
 وَتَنَاجَوْا بِالْخَيْبِ وَالشَّقْوَىٰ وَأَتَقُوا اللَّهََ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ. ای کسانی که ایمان آوردند ، چون با خود
 رازگوئید پس به گناه و دشمن و نافرمانی رسول خدا راز نگوئید و به نیکو کاری و پرهیزکاری راز گوئید و از خشم
 و عذاب خداوند پرهیزید ، آن خدائیکه بسوی او بازخواهید گشت !

۱۰- إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ
 وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ. همانا بدانید که راز کردن از کارهای شیطان (دیو) است تا گروندگان را
 اندوهگین کند ! در حالیکه هیچ زبانی و گزندی از راز کننده به کسی یا چیزی نمیرسد جز بخواست خداوند و باید
 مؤمنان بر خدا پستی داشته باشند .

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ . ای خدائی که چون مرغی تا از آشیان ازلی برآمدی ، شکارت جگر همه صدیقان است ،
 و تماشاگاهت همه ارواح عاشقان ، آشیانت همه دلهای محبتان ، پروازت همه برهوی جان عاشقان . ای عزیزی
 که تا تو نقاب از چهره جمال برداشتی ، همه خراباتها کعبه وصال گشت ! و کینشست و کلیسا به مسجد و محراب
 بدل گشت ، زنارها کمر عشق دین شد :

چون تو نمودی جمال ، عشق بنان شد هوس

۱- قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ . آیه . خداوند مهربان
 کار ناتوانان و بیچارگان چنان سازد که همه توانایان از آن در شگفت شوند ! صد هزاران فرشته مقرب و مقدس در
 دریای نماز فرو روند و بردرگاه عزت تسبیح و تقدیس بر آورند و کسی از آنان حدیثی نکند و خبری نشنود !
 ولی آن ضعیفه بی نوا که باشوهر خود مجادله داشت از سر سوز و حیرت به درگاه خداوندی بزارید و از نومیدی
 بنالید ، بنگر که قرآن کریم چگونه بر کسوت راز اورقم اعزاز بر کشید و فرمود : ما آن شکوی را نیوشیدیم و ناله
 و دعای وی شنیدیم و آن رنجوری و در بندگی که در آن بمانده بود گشایش پدید کردیم . ما آن خداوندیم که هر
 در مانده ای کسش یاری نماند ما نیک یاریم هر در بندگی (بندور) را بند گشائیم و هر غمگینی را غم روائیم ، شنونده
 آواز درویشانیم ، نیوشنده راز بیچارگانیم ، پاسخ گوینده نیاز در ماندگانیم .

در خبر است که آن زن (مجادله) روزی نزد خلیفه عمر رفت و با او به صدای بلند سخن گفت ،
 حاضران او را بانگ زدند که نمیدانی با خلیفه سخن درشت نباید گفت ؟ عمر ایشانرا گفت : خاموش ، این زن را
 حرمت دارید ، این کسی است که ناله او را خداوند شنید و این نوازش بر سر او نهاد که این آیه را نازل فرمود
 ای مسلمانان ، درویشان را حرمت دارید ، و به مراعات و مواسات با ایشان به خدا تقرب جوئید ،
 که ایشان اگر چه امروز بی نوا و بی چاره اند ، فردا پادشاه بهشت برین و فردوس علین هستند ، بدان منگرید که
 امروزه در حالشان خستل است و جامه شان کهنه و رخسارشان زرد و دلشان پردرد است ! بدان بنگرید که فردا
 عزیزان دارالسلام و رئیسان دارالمقام ایشان باشند ! و حال آنان چنین است که شاعر گفته :

این درویشان ، ز وصل بوئی دارند
گوئی ز شراب مهر ، جوئی دارند

در مجلس ذکر ، های و هوئی دارند

می نعره زنان ، کزو چنوئی دارند!

۷- مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ... وَ هُوَ مَعَهُمْ. آیه. اگر مؤمنان است

محمد را خود تنها این آیت تشریفی بودی که خداوندی فرماید: هیچ راز گوینده نیست مگر آنکه چهارمی آنها خدا است ۱- آن تشریف تمام بودی ، زیرا خداوند به علم با آنان باشد، به فضل و نصرت با آنها باشد ، مونس دل آنها باشد ، همراه و همراز با آنها باشد. چنانکه اصحاب کهف را با جلال رتبت ایشان و کمال منزلتی که داشتند ، خداوند درباره آنها می گوید : سه نفر بودند که چهارمی بودند که پنجمی سگ آنها بود یا پنج تن بودند که ششمی آنها بود و در این مورد خداوند کس آنها نبود بلکه هم راز و همراه ایشان بودا ذوالنون مصری را حکایت کنند که گفت : روزی در اطراف نیل می گذشتم جوانی را دیدم شوری عظیم داشت ، گفتم : ای غریب ، از کجائی ؟ به بداهت پاسخ داد: غریب چه کسی باشد که با خدا اورا انس باشد؟ چه کسی تنها بود که همراهش او باشد ؟ ذوالنون بشنیدن این سخن از دست خود رها و از خود بی خود شد، و کلهی در او پدید آمد! ساعتی از خود غایب گشت! بی خود نمره همی کشید! جوان گفت : ای پیر طریقت ، تو را چه روی داد که این ساعت چنین شدی ؟ گفت : دارو با درد موافق افتاد! آنگاه روسوی آسمان کرد و در مناجات شد و گفت : ای خداوندی که درمان دردها تو داری ، کیمیای حاصلها تو سازی ، فغان جانها تو شنوی تابش (تاوش) خاطرها تو بینی ، دریاب این بیمچاره که در غرقاب است و دلش از بیم درد ناباب کباب است ، دردی دارد که بهی مباد اورا ، این درد صواب است! با درمندی به درد نرسند ، کسی را چه حساب است!؟

تفسیر لفظی

۱۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ. ای کسانی که ایمان آورده اند ، چون شما را گویند که در مجلس فراخ تر نشینید ، پس بچینید و فراخ نشینید تا خداوند شما را بجای فراخ کند، و چون گفته شود به شما که برخیزید، برخیزید تا خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده اند بردارد و بلند مقام گرداند و آنان را که دانش دارند درجه ها بردارد (هم درمزد ، هم گوینده هم شنونده را در مجلس درجه ها بردارد) و خداوند به آنچه شما می کنید دانا و آگاه است (۱) :

۱- در شان نزول این آیه آمده که هنگام جهاد ، مجاهدین برای فداکاری در راه حق و شهید شدن اصرار داشتند که در صف مقدم لشکر اسلام باشند که زودتر بشهادت رسند! ولی سرانجام جلو صف پس نمی رفتند و راه به آنها نمی دادند! تا آنکه جبرئیل آمد و این آیت را آورد. بعضی مفسران آنرا در مورد واردین مسجد برای نماز دانسته و نوشته اند پیغمبر به توانگری که راه جلو آمدن در صف به یک نفر نیازمند نداد فرمود: ترسیدی از غنای تو چیزی باو رسد یا از فقر او به تو چیزی رسد که او را راه ندادی!؟

۱۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جِئْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنِ اللَّهُ عَفُورٌ رَّحِيمٌ . ای گروهندگان ، چون خواهید بار رسول خدا راز کنید ، پیش از راز خویش صدقه‌ای فرا فرستید ، این برای شما که رازی کنید بهتر است و دل مسلمانان را پاک دارنده ترا اگر نمی یابید (یاوید) چیزی که صدقه دهید ، خداوند آمرزنده و مهربان است .

۱۳- أَشَفَقْتُمْ أَن تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذ لَم تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ . آیای ترسید که پیش از راز خود (بار رسول خدا) صدقه دهید؟ اینک که چنین نکردید و خداوند از گذشته گذشت کرد و از شما توبه و عذر بپذیرفت ، پس شما هم نماز برپا دارید و زکات مال دهید و خدا و رسولش را فرمان برید که خداوند به آنچه می کنید آگاه است .

۱۴- أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَاهُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكُذِّبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ . آیا نبینی کسانی را که گروهی که خداوند به آنها خشم کرده ، به دوستی گرفتند؟ آنان نه از شما هستند که مسلمانید و نه از یهود هستند او به دروغ سوگند یاد می کنند! در حالی که می دانند دروغ زنانند! ۱۵- أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ . خداوند برای آنها کیفر سخت قرار داد که آنها بدکاری کنند و بد کردارند!

۱۶- اتَّخَذُوا آيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ . آنان سوگندهای خود را سپر خود کردند و از راه خدا بازگشتند و آنان راست عدایی خوارکننده!

۱۷- لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ آموَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ . (در روز رستاخیز) مالها و فرزندانشان بکار نیایند و آنان یاران جاویدان دوزخند . ۱۸- يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ . آن روز که خداوند همه را برمی انگیزد ، او را سوگند یاد کنند هم چنان که شما را به دروغ یاد می کنند و می پندارند که بر چیزی هستند! آگاه باشید که آنان همان دروغگوهایند .

۱۹- اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ . دیو بر آنان چیره شد و زور گرفت ، پس بر آنها یاد خدا را فراموش گردانید (و آنرا سست و خوار کرد) آنان سپاه دیوند! و آگاه باشید که سپاه دیو همان زیان کارانند!

۲۰- إِنِ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ . آنان که با خدا و رسولش مخالفت می کنند ، آنان در گروه خوارتر از همه خوارانند .

۲۱- كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَبِينَ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ . خداوند نوشته (و خواست) قضا و قدر کرده (که من و فرستادگانم بر دشمن غلبه خواهیم کرد) که خداوند توانا و سخت گیر و فراع توان است .

۲۲- لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَائَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ . تو (ای محمد) ، هیچ گروهی را نیابی که به خدا و روز

رستاخیز گرویده باشند و کسانی را که مخالف خدا و رسولش هستند دوست بدارند! هر چند آن خلاف کاران پدران یا فرزندان یا برادران یا خاندان آنها باشند. **أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ**. آنان را خداوند در دلهایشان ایمان نهاده و از روح خود آنانرا نیرو داده، و ایشان را در بهشتی آرد که آب از زیر درختان آن جاری است و در آن جاویدانند و خداوند از آنها خشنود و آنانهم از خداوند خشنودند و آنان سپاه خدایند و آگاه باشید که سپاه خداوند پرستگاران و جاوید پرورانانند.

تفسیر ادبی و عرفانی

۱۱- **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَقَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ**. بعضی مفسران چنین تفسیر کرده اند که: اگر می خواهی که فردا چون در خاکت نهند گور بر تو فراخ باشد و عروس وار تو را در خواب کنند، امروز جای بر مسلمانان فراخ دار، و رنج خویش را از آنان بازدار، ای مسکین، خبر نداری که گور خانه ظلمت است و کان وحشت، و مکان وحدت و منزل غربت، و لشکرگاه حشرات، و محل حسرات است! یکی را حفره دوزخ است و یکی را روضه بهشت، چراغ ایمان آنجا افزونند و سیاهی شب کفر آنجا آشکارا کنند! در زیر پهلو در گور او یا مهد طاعت است یا خار معصیت، و در زیر سر او یا فرستاده رحمت است یا خشت لعنت! سؤال کننده یا بشیر و مبشر باشد یا نکیر و منکر، پاسخ یا از نفس صتم دهند یا از تلخین صمد، چون جواب داد از دو حال بیرون نباشد یا بر تخت بخت خوابش چون عروس باشد یا بختش نگون و طالعش واز گون بود!

... **يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ**. آیه. برخی مفسران نوشته اند:

صاحبان ایمان را یک درجه و صاحبان علم را چند درجه است که علم بر ایمان برتری دارد زیرا برتری عالم بر شهید یک درجه و برتری شهید بر عابد یک درجه و برتری محمد مصطفی بر عالم یک درجه و برتری عالم بر سایر مردم مانند برتری مصطفی بر پست ترین مردم است:

برتری عالم بر عابد: محمد مصطفی فرمود: کسی که در راه آموختن دانش بمیرد، فاصله میان او با پیغمبران یک درجه باشد!

عارفی گوید: اوزاعی (عارف بزرگوار) را بخواب دیدم پرسیدم بهترین و بالاترین درجات کدام است؟ گفت: اول درجه علماء و بعد درجه اندوهناکان!

نیز فرمود: هر کس راه دانش آموزی پیاید، خداوند راه بهشت را بر او آسان گرداند و فرشتگان بال خویش برای آسایش او گسترند، و برتری عالم بر عابد مانند برتری ماه و خورشید با دیگر ستارگان است!

نیز فرمود: دانشمندان وارث پیمبرانند و پیمبران از خود ارثی جز دانش نهند! و از این ارث می توان بهترین سود برد!

در خبر است که پیغمبر از مسجدی گذشت که در آن دو مجلس بود، یکی مجلس دعا و نیایش و دیگری محفل پرورش و آموزش، حضرت فرمود: هر دو مجلس نیکو و سودمند است لیکن این یکی بر دیگری فضیلت دارد، زیرا آنها خدا را می خوانند و بسوی او راغبند، و اینان نادان را می آموزند و این گروه بالاتر باشند چنانکه منهم

برای آموزش و پرورش برانگیخته شدم!

نیز فرموده: هر کس دانشی آموزد که بدان وسیله گمراهی را به راه راست آورد، عملش مانند چهل سال عبادت عابد است و هر کس دیگری را بیاموزد مُزِدِ او از میان نمی‌رود.
نیز فرموده: هیچ دانشمندی نباید از آموختن خودداری کند و هیچ نادانی نباید از فراگرفتن دانش خودداری نماید! و اگر آموزنده‌ای در راه دانش بمیرد شهید راه حق بشمار است.

اباذر گوید: برای من فراگرفتن یک مسئله محبوب تر است از اینکه صدر رکعت نماز بگزارم! و آموختن یک مسئله از هزار رکعت نماز برای من دوست داشته‌تر است!

کسی دانشمندی را خواب دید و پرسید در دنیا چه عملی بهترین اعمال است؟ گفت: هیچ عملی بهتر از تحصیل علم و هیچ درجه‌ای بالاتر از درجه عالم نباشد و بهمین جهت علماء دین را چند درجه بالاتر در دنیا به مرتبت و شرافت و وراثت دادند، و در عقبی درجه‌های آنها از درجه‌های دنیا بیشتر و برتر باشد! که فرمود:

وَلِئَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا. چنانکه دانشمند در دنیا به منزلتهای طاعت و عبادت و کشف حقیقت از عامه مردم برتر است، فردا هم در بهشت از منزل بهشتیان برتر و بالاتر است.

۱۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَلَّجْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدْتُمُو بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَيْكُمْ صَدَقَةٌ.
حضرت امیر المؤمنین علی (ع) فرمود چون این آیه نازل شد برای مناجات با پیغمبر یک صدقه دینار صدقه دادم و ده سوال از پیغمبر کردم، از جمله پرسیدم که خدای را چون خوانم و چگونه پرستم؟ فرمود: به راستی در گفتار و کردار و وفای به عهدی که در روز آلتستی بگفتن بلی با او بستی! و در گفتار و کردار خود صدق پیش آر.

پرسیدم از خدا چه خواهم؟ فرمود: سلامت دل در دنیا و آخرت از آفات بشریت و عافیت تن از همه‌گونه بلیت!

پرسیدم برای نجات از عذاب دوزخ چه کنم؟ فرمود: آنچه خوری حلال خور و آنچه گوئی راست گو،

حرام را بخود راه مده که حرام سرانجام بد دارد، و از دروغ پرهیز که دروغ در هر دو جهان بدنام باشد!

پرسیدم: تدبیر و حیل در کار چون باشد؟ فرمود: بهترین حیل ترک حیل است، حیلت را بگذار و بدان

که همه آن بود که خدا خواهد و حیلت و تدبیر بنده هرگز بر تقدیر الاهی پیروز نگردد!

پرسیدم بر من از احکام الاهی چیست تا بگزارم؟ فرمود: بهره‌چند خدا و رسول از واجبات امر کرده

انجام ده و از مستحبات عمل نما.

پرسیدم راحتی در چیست؟ فرمود: راحتی در آن است که به بهشت با نعمت فرود آئی و از دوزخ ایمن شوی.

پرسیدم شادی در چیست؟ فرمود: در اینکه شب فراق به سر آید و صبح وصال از مطلع اقبال بر آید و

بنده شاهد صاحب جلال را مشاهده کند!

پرسیدم حق چیست؟ فرمود: اسلام، گفتم آن حق را که باطل در راه نیست کدام است فرمود:

دین اسلام و احکام آن.

پرسیدم فساد چیست؟ فرمود: کفر و رزیدن و حق پوشیدن! که همیشه از راستی و پاکی دور است.

پرسیدم وفا چیست و مرد وفادار کیست؟ فرمود: شهادت به یگانگی خداوند دادن و به ایمان و اخلاص راست و استوار بودن.

شان نزول این آیه: در خبر است که توانگران در مجلس رسول خدا می آمدند و در حال پرسش و مناجات با او، دراز می کشیدند و به درویشان مزاحمت داشتند و از آن پس درویشانرا تمکین دادن صدقه نبود و توانگران هم بخل می ورزیدند! پس آیه ناسخ آن نازل شد که:

۱۳- ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ آیه. نوشته اند که هیچ یک از صحابه به حکم این آیت زلفت مگر حضرت علی بن ابی طالب که خود فرمود: هیچ کس نه پیش از من و نه بعد از من مانند من به آیه مناجات عمل نکرد!

در خبر است که پیغمبر از علی پرسید: مردم چه مبلغی پیش از نجوای با من باید پردازند؟ علی فرمود خدا و رسول بهتر می دانند و حضرت فرمود با یک دینار! علی گفت: زیاد است، پیغمبر آنرا به یک دانه یا یک شعیر تنزل داد!

از عبدالله بن عمر نقل شده که گفت: اگر من یکی از سه چیز که علی بن ابی طالب داشت داشتم از بسیاری نعمتهای دنیا برای من محبوبتر بود: یکی زناشویی با فاطمه دختر پیغمبر، دیگری برداشتن بیرق اسلام در جنگ خیبر، سوم نزول آیه نجوی و صدق آن در مورد علی!

... آلا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ یعنی حزب خدا رستگارانند.
داود پیغمبر پرسید: خدایا، حزب خدا کیانند؟ فرمود: چشم پوشان از گناه، بالدلان و دستیاران مردم.

سوره - ۵۹ - حشر - ۲۴ - آیه - مکی - جزو ۲۸

تفسیر لفظی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بنام خداوند بخشنده مهربان.

۱- سَبَّحَ اللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. به پاکی می ستاید خداوند را هر چه در آسمانها و در زمین است و او است توانای راست دانش.

۲- هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَا نَعْتَهُمْ حُصُونَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَنزَلْنَاهُمْ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا خداوند است که کافران اهل تورات را از خانمانهای خود بیرون کرد برای اولین حشر یعنی مهاجرت از مدینه بشام^(۱) و شما هرگز باور نداشتید که آنها بیرون روند و پنداشتند که باروهای آنها مانع شکستشان است! پس فرمان خداوند از جایی رسید که نمی پنداشتند و نه می (بیوسیدند). وَقَدَفَ فِيهِمْ قُلُوبَهُمْ الرُّعْبَ يَخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ. خداوند ترس در دل آنها افکند که خانه های خود را بدستهای خودشان و دستهای مسلمانان خراب و خالی می کردند و فرومی گذاشتند! پس شما ای بینایان و زبرکان بند و عبرت گیرید.

۳- وَلَوْ لَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَدَّبْنَاهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

۱- و حشر دوم حشر روز قیامت است که همه بندگان به صحرای محشر گرد آیند.

اگر نه این بود که خداوند بجلاء وطن و بیفتادن از خانمان را برای آنها نوشته بود، هر ایینه آنها را در دنیا عذاب بیشتر کردی و در آن دنیا هم به آتش دوزخ گرفتارند!

۴- ذَالِكُمْ بِمَا نَهْتُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ . آن جلاء وطن از آن سبب بود که یهود بت پرست (بنی نضیر) از فرمان خدا و رسولش سرپیچیدند و خلاف کردند و هر کس از فرمان خدای بیرون شود، خداوند سخت گیر و سخت کیفر است.

۵- مَا قَطَعْتُمْ مِمنَ لَبْنَةٍ أَوْ تَرَكَتُمْوهَا فَاتِمَّةٌ عَلَىٰ أَصُولِهَا فَبِأَذْنِ اللَّهِ وَ لِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ . آنچه از درخت خرما ببردید (از مال کافران) یا برپای خود وا گذاشتید همه به اذن و پسند خدا بود و برای آن بود که فاسقان را رسوا کند :

۶- وَمَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهٍ مِنْ خَيْلٍ وَلَا أَرْكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . آنچه که خداوند (از مال یهودان) بهره پیغمبرش کرد، شما در آن نه اسب ناختمید و نه اشتر دوانیدید! لیکن خداوند پیغمبران خود را بر هر که خواهد چیره می سازد. و خداوند بر هر چیزی و هر کاری توانا است (۱).

۷- مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَاللرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَذَىٰ لَا يَكُونُ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ (۲) آنچه خداوند از مال مردم دینه ها و شهرها بهره پیغمبرش داد، آنها از آن خدا و رسولش و خورشاوندان رسول خدا و یتیمان و درویشان و مسافران در مانده است، تا آنکه توانگران دست در مال غنیمت جنگ دراز نکنند و ما آتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا و اتقوا الله ان الله شديد العقاب . و آنچه پیغمبر به شما (مسلمانان مجاهد) داد آنرا بپذیرید و آنچه را از شما باز نند باز شوید و از خشم و عذاب خدای بترسید که خداوند سخت گیر و سخت سزا است .

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . ای صبیقل آئینه یقین و کیمیای دولت کلمات ، و راست لشکر قرآن ، ای مرغی که پروبال از هوای احدیت در آمده و بر شاخ قدس فردانیت آشیان نهاده و صد هزار واند ، مرغ نبوت به زیر آورده و در عالم احکام گذاشته ، تو که رانی ؟ تا آشیانت بیوسیم ۱؟ با که باشی ؟ تا از تونشانی جوئیم ؟ در کدام بادیه ای ؟ تا جانها در بادیه طلب نثار کنیم ؟

بسیار خلایقند جویان رهت
کشته شده عالمی به هول سپهت
تا برمه چارده نهادی کلهت
بینم کله ملوک در خاک رهت !

۱- چون در این واقعه یهودیهای بت پرست بنی نضیر خود را ناتوان دیدند به جلاء وطن تن دادند برخلاف بنی قریظه که ایستادگی کرده و بکلی مغلوب و تاربار شدند .

۲- اسوایی که از کافران به دست مسلمانان می رسد یا غنیمت جنگ است یا مالهایی است که از کافران بدون جنگ (بر اثر صلح) به دست مسلمانان میرسد که آنها (فیء) نامند (یعنی خسارت جنگ).

۱- سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ . آیه. بر ذوق جوانان طریقت ، تسبیح در اینجا شناوری رازهای دوستان است در دریای بزرگی حق تعالی که در آن دریا فروروند و گویهای توحید بیرون آرند و در رشته ایمان کشند، جوان مردانی که قدم بر بساط قرب دارند به سرحد یگانگی رسیده، دویی برخاسته دست دیگران (بیگانگان) از آنان کوتاه شده ، سرهاشان بر حقیقت حق آگاهی یافته ، از علاقه‌ها بیزیدند تا مجاور کعبه وصال شدند ، و با واسطه‌ها و سبب‌ها گذشتند تا معتکف کوی اقبال گشتند .

میریدی از شبلی پرسید : تو را هیچ دیده گریه نیست ؟ گفت : ای فلان آنچه دل ما را با جان ما افتاده از دیده پنهان است ، هر چه بیرون قالب تن است بیگانه راه است و تعبیه‌ای در درون باید ، ای جوان مرد ، اندوه او آزالی است لیکن نه با هر کس باشد ، این اندوه چون بر دل عاشقی سایه افکند ، در آن هنگام رعد حالت به خروشیدن آید و برق امید به جستن آید و باران مراد بر ساحت دل می بارد و گیاه‌های گوناگون می روید : گاهی نرگس رضا است ، گاهی ارغوان قناعت ، گاهی سوسن توکل ، گاهی یاسمین تواضع ، و عاشق در کار ایستاده ، زیر ایر اندوه از باغ دل گلهای رنگارنگ می درود و دسته‌ها می بندد .

باش تا خار بن کوی تو را نرگس وار
دسته‌بندند و سوی مجلس سلطان آرند
عاشقانت سوی تو تحفه اگر جان آرند
عرق سنگ سوی چشمه حیوان آرند

... وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . آیه. طالبان به امید ادراك روی در بادیه طلب نهاده ، عاشقان به طمع وصال جان و دل را هدف تیر بلا ساخته اند . همه عالم را به بویی و گفتگویی نشنود کرده و قطره‌ای از جرعه قدح عزت به کسی نهاده ، چون حقیقت صمدیت و کمال احدیت از ادراك بشر منزّه و از دریافت عقل دور است چنانکه آدمی در آینه می نگردد صورت خویش را در آن می بیند ، از آنجا که ظاهر گمان و خوش باور است ، گوید دست فراز کنم و آن صورت در اختیار خود گیرم ! هیاهات ! آن قربی است که عین بُعد است ! اگر در طلب آن صورت بر خیزد عمر پایان رسد و هرگز دست به آن نرسد و از وجود آن ذره‌ای نیابد !

در عشق تو صد هزار جانند به سر
رفتند و ندیدند ز وصل تو اثر

۲- هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ . آیه. چون خداوند قوی را بر دشمن یاری دهد خورگوش آنها شیر شود و گروهی را که شکست و رسوائی دهد شیر ایشان خورگوش گردد : بزرگان بخت برگشته یهود بنی نضیر به دشمنی پیغمبر برخاستند و به باروها پناه بردند و به خیال خودشان در آنجا ایمن نشستند الا جرم بطش نهاری روی به ایشان نهاد تا نخست خانه دل خود را خراب کردند و خرابی باطن به ظاهر هم سرایت کرد تا خانه‌های جای سکونت خود را هم به دست خویش ویران کردند !

... فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ . آیه. ای زیرکان و خردمندان و دانایان اگر پند می پذیرید و عبرت می گیرید جای پند پذیرفتن و عبرت گرفتن است مؤمنان و مخلصان به توفیق خود با روی مساعد گفتند : خداوندا به نظر عبرت می نگریم و با اندیشه راست پند می پذیریم اکنون چه کنیم تا در این حالت بمانیم ؟ از سوی حق فرمان آمد که :

۷- مَا آتَايَكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَايَكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا . آیه. هر شرتی که از دست اقبال پیغمبر

در آید بستانید که زندگانی شما در آنست و آن لوح خوانید که او نویسد، بندگی از خوی او آموزید، سنت وی نگاه دارید، دست طلب از همت وی گیرید و در همه حال پیرو او باشید، زیرا کمال حال بندگان و منتهای رویه آنان محبت ما است و محبت ما در متابعت از سنت و سیرت پیغامبر شماست. هر کس بر پی وی رفت راست، او به حقیقت دوست ما است. مؤمنان صحابه به وفای عهد ازل باز آمدند و قدم در راه شریعت راست نهادند و راستی و درستی در عمل بجای آوردند تا خداوند فرمود: **أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ** آنان راست کارانند:

راستگاری پیشه کن، کاندر مضاف رستخیز
نیستند از خشم حق، جز راست کاران رستگار

تفسیر لفظی

۸- **لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ**. اموالیکه از طایفه یهود بنی نضیر به دست مسلمانان رسید برای درویشانی است که از خان و مان خود هجرت کردند و آنانرا از خانه های خود بیرون راندند و قصد و نیت مهاجران خشنودی خداوند بود که دین خدا و رسول را یاری می دهند، اینانند راست گویان.

۹- **وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا**. کسانی که سرای اسلام را جایگاه گرفتند (مدینه) و به دین و ایمان (پیش از آمدن مهاجران) دل فرو دادند، هر کس که بسوی آنها هجرت کند دوست می دارند در حالیکه در دلشان هیچ گونه نیازی به آنچه آنها دارند ندارند و بیژن روی علی آنفسمیهیم و لو کان بهمیم خصاصه و من یتوق شح نفسه فأولئک هم المسلمون. و میهان را بر خود می گزینند هر چند که به خوراک نیاز مندند، پس کسانی که نفس خود را در کار مال دنیا باز داشتند آن کسان رستگار اند (۱).

۱۰- **وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ**. و کسانی که بعد از مهاجرین در رسند گویند: خداوند ما را و آن برادران ما که در ایمان از ما پیشی گرفتند بیامرز و در دلهای ما کینه کیسانیکه ایمان آوردند منه، پروردگار ما، تو خود مهربان و بخشاینده ای.

۱۱- **أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِن أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ**. نمی بینی آنان را که در دین خویش دورویی کردند و به برادران خود از اهل تورات که کافر شدند می گویند: اگر شما را از خان و مان بیرون کردند ما هم با شما بیرون میرویم و اگر با شما جنگ کردند ما شما را یاری دهیم او خدا گواهی می دهد که آنان دروغ می گویند.

۱۲- **لَئِن أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِن نَصَرُوهُمْ لَيُؤْتِنَّ إِلَّا ذَبَابًا ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ**. اگر (راستی) جهودان را بیرون کنند این دورویان با آنها بیرون نمی روند

۱- این روایت در شان انصار مدینه نازل شده که از مهاجرین فقیر پیرانی کرده و از اموال یهود بنی نضیر

که پیغمبر میان مهاجران بخش کرد و به آنها نداد ناخشنود نبودند بلکه خوش حال شدند.

و اگر با آنها جنگ کند اینان (دورویان) آنها را یاری نمی کنند و اگر هم یاری کنند از میدان جنگ پس می نشینند! پس از آن آنها را کسی یاری ندهد .

۱۳- لَا تَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنْ اللَّهِ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ . به راستی که شما در دلهای منافقان از خداوند ترساننده ترید (و از شما بیشتر بیم دارند تا از عذاب خدا) آن بدین سبب است که آنان گروهی هستند که حق را در نمی یابند .

۱۴- لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بِيْتَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقَلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ . با شما هرگز نمی جنگند مگر در جاهای بارودار ، یا از پشت دیوارها، زور آنها بر یک دگر خیلی سخت است و آن چنانکه گمان کنی (ای محمد) که آنها یک دلند ! نه یک دلند، بلکه آنها پراکنده دلند و این به این جهت است که آنها گروهی هستند که فرا راستی و خیر دهنش نمی دهند .

۱۵- كَمْثَلِ الَّذِينَ آمَنَ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ . مانند جهودان پیش از ایشان (بنی قریظه) که ناسازگاری کار خویش را دیدند و گران و ناسازگاری سرانجام آخر چشیدند و آنان راست عذاب در دناک .

۱۶- كَمْثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلنَّاسِ اكْفُرُوا فَلَمَّا كَفَرَا قَالِ إِنِّي بِرِئِئِ مُنْكَرِكُمْ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ . راست به سان دیو (شیطان) باشند که به انسان گفت: کافر شو، پس چون کافر شد گفت: من از تو بی زارم، من از پروردگار جهانیان می ترسم (۱) .

۱۷- فَكُلَانِ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ . پس سرانجام هر دو آنست که با هم در آتشند هر دو جاویدان و این است سزای ناگرویدگان .

۱۸- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مِمَّا قَدَّاتٍ لِيَعْلَمَ أَنَّهَا تَعْمَلُونَ . ای مؤمنان، خدا را بپرهیزید و ایدون باد که هر کس باید بنگرد که برای فردا چه فرا فرستاده؟ و از خشم و عذاب خداوند بپرهیز کنید که خدا به آنچه می کنند آگاه است .

۱۹- وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ . مانند کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند، تا خداوند هم بیمار داشتن تنهای آنها را بر آنها فراموش کرد (یعنی که خود را فراموش کردند) آری، آنان از دین طاعت خداوند بیروند .

۲۰- لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ . هرگز دوزخیان چون بهشتیان یکسان نیستند ، بهشتیانند که رستگار اند .

۲۱- لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّصَدِّعًا مِّنْ نَّفْسِيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ . اگر این قرآن را ما بر کوه فرو فرستادیم ، آن کوه را

۱- سراد از ایشان در اینجا یکی از زاهدان یهود است که فریب اهلین خورد . و شرح آن در تفسیر ادبی

می دیدی (ای محمد) که از ترس خداوند فرو شده و پاره پاره شکافته ا و این مثل هارا ما می زنیم برای مردم تا شاید در اندیشند :

۲۲- هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ . او است خدائی که جز او خدائی نیست ، دانای نهان و آشکارا، او است فراخ بخشایش مهربان اوست .

۲۳- هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْعَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ . او است خدائی که جز او خدائی نیست، پادشاه پاک عیب، ایمن دارنده از غیب، گواه راست و استوار، تاوانده تواننده، به هیچ چیز نمانده، خلاق بر مراد خود دارنده، برتر از آنکه بر کسی ستم کننده، پاک و منزّه است خداوند از آنچه انبازگران می گویند .

۲۴- هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . او است خدای آفریدگار، نوساز، نیکوکار، که او راست نامهای نیکو و بیباکی او را هر چه در آسمانها و زمین است می ستایند و اوست سخت توانای بی همتا و راست دانش.

تفسیر ادبی و عرفانی

۸- لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ . آیه . مفهوم این آیت صفت و سیرت مهاجران است که اینان غریبان این دیار و شهیدان آن سرایند، پادشاهان دولتند و درخانه شان نانی نه | امیران کشورند و در برشان کهنه ای نه | آفتاب رویان روز رستاخیزند و در این جهان از هیچ سو روی نه | آتش دلانند و شراره آنان را دودی نه | دردزدگانند و زخم ایشان را مرهمی نه | مسافرانند و راه آنان را پایانی نه | همه در کوره بلا گداخته و واخواستی نه | و با این همه نعره عاشقی آنها در ملکوت افتاده، گویند: جان را گوی میدان تو دادیم هر کجا خواهی بینداز |

جانی داریم به عشق تو کرده را قسم خواهی به شادی کشن و خواهی به غم

مصطفی فرمود : ما بهتر فرزندان آدمیم و ما را به آن فخر نه | شربتهای گرم بر دست ما نهادند و هدیه های شریف به خانه ما آوردند و لباسهای نفیس در ما پوشانیدند و تراز عزت بر آستین ما کشیدند | و ما را بدان همه هیچ افتخاری نه | پرسیدند: مهتر، پس افتخار تو به چیست؟- گفت: افتخار و اختیار ما به آنست که در روز ساعی خلوقی جوئیم و با این فقیران مهاجر چون سلمان و بلال و عمار و صهیب حدیث گوئیم و گفت و شنود کنیم . زیرا :

بر دل ز کرامتش نثار است مرا و رفیق لباس اختیار است مرا

دینار و درم خود به چه کار است مرا با حق همه کار چون نگار است مرا

مراتب فقر : بدانکه فقر دو گونه است، یکی فقری است که رسول خدا از آن بخدا پناه می برد و می گوید: *أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ* ، و دیگر فقر که رسول خدا به آن فخر میکند می گوید: *الْفَقْرُ فَتَخْرِي* . آن نزدیک به کفر و این یکی نزدیک به حق است | اما آن فقر که به کفر نزدیک است فقر دل است که فرمود: *كَلَادَ الْفَقْرِ* آن یکون کفر او آنست که هفت صفت فقر که: علم، حکمت، اخلاص، صبر، رضا، تسلیم، توکل است از دل بیسرد | تا دل از آنها فقیر و بی نوا گردد | و چون زمین دل خراب شود منزل شیطان گردد | آنگاه که شیطان در دل فرو آمد،

هفت سپاه شیطان روی به او نهند و آنها: شهوت، خشم، رشک، شکک، شبهه، نفاق و شرک است.
 نشان این فقر این است که هر چه بیند کج بیند! گوش همه دروغ شنود، زبان همه دروغ گوید، قدم
 همه به کوی ناشایست نهد، این آن فقر است که پیغمبر از آن بخدا پناه برد.

اما آن فقر که مایه افتخار پیغمبر است آنست که آدمی از دنیا برهنه گردد و در این برهنگی به دین و
 ایمان به خدا نزدیک شود و این مقام همان است که متصوفه آنرا تجرید گویند که آدمی از قیود و رسوم چون تیغ
 بیرون از نیام مبرد شود! چه تیغ تا وقتی که در نیام است هنرش آشکارا نشود و کاری از او نیاید! همین گونه
 دل تا در غلاف انسانی است هنر او آشکارا نگردد و از او گری نگشاید و چون از غلاف انسانیت برهنه شود
 صورتها و صفتها در او بنیاید!

۹- وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْأَيْمَانَ . آیه. این کسان انصار نبوت و رسالتند و اصحاب موافقت و
 موافقت او منبع جود و سخاوت! خداوند روش آنانرا پسندیده و ایثار ایشان را ستوده که:
 ... وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ . آیه. گروهی که هرگز از خار حسد
 خاری به دامنشان نیاویخت و از بیابان هوای نفس هرگز غباری بر گوشه دیانت آنها نه نشست و از بر نگاه هوس
 هرگز دودی به چشمان نرسید^(۱) آنان پادشهان راهند در لباس درویشان و فرشته صفتند به صورت آدمیان اروندگان
 حقیقتند در راه فنای خویش خرامان!

شیخ بسطام (بایزید) گفته: اگر هشت بهشت را در این کلبه ما بگشایند و این سرای و آن سرای هر دو
 بما دهند هنوز به یک آه سحرگاهی که بر یاد او از سینه برآید ندهیم! و یک نفس که به درد عشق او برآوردیم
 با ملک همه جهان برابر نکنیم او به زبان حال گوید:

خیز یارا تا بمی خانه زمانی دم ز نیم
 هر چه اسباب است جمع آئیم و پس جمع آوریم
 آتش اندر مملکت آل بنی آدم ز نیم
 پس به حکم حال بی زاری همه بر هم ز نیم
 ۱۰- وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ . آیه. اندر این آیت پسینیان امت و پیروان صالحان ملت را تا
 قیامت به پیشوایان صدر اسلام درسانیده و در حکم برابر فرموده. چنانکه مصطفی فرمود: مثل امت من مثل
 باران است که معلوم نیست اول آن بهتر است یا آخر آن! و کسانی که امروز ساکنان سرای قربت من اند و فردا
 شایسته شفاعت من ایشان همه بزرگوارانند و کرامت را سزاوارند و در منفعت و راحت هم چون باران بهارند! و
 و باران را ندانند که اول آن بهتر است یا آخر آن! انفعی است همگانی، حال امت من هم چنین است، همان درویشان
 آخر زمان و همان شکستگان سرافکنده و همین بزرگان صحابه همه با هم برادرانند و در مقام راحت و منفعت و
 شفقت همه یک دست و یک سانند مانند باران که در بوستان و در خارستان همه جا سود رسانند^(۲).

۱- نوشته اند آن روز که رسول خدا اموال یهود بخی نصیر را قسمت می کرد به انصار فرمود اگر می خواهید
 شما را در این قسمت آرم تا شریک مهاجرین بشید و آنان را هم در اموال خود شریک کنید! و اگر نمی خواهید
 شریک کنید تا همه اموال را به آنها دهم، انصار همه گفتند ما در غنیمت با آنها شریک نمی شویم و همه را به آنها
 دهید ولی ما آنها را در اموال و املاک خود شریک می کنیم! آنگاه این آیه در شان آنها نازل شد!
 ۲- این حدیث و سخن پیغمبر برای اثبات تساوی حقوق بشر و مساوات و مساوات و برادری و برابری در اسلام
 بزرگترین دستور و سند است.

۱۶- كَتَمَتَّلِ الشَّيْطَانَ إِذْ قَالَ لَيْلًا نَسَّانَ الْكُفْرَ. آیه. مَثَلِ بِيَمِ دَادَنِ خَدَاوَنَدِ بِيَهُودَانِ بَنِي قُرَيْظَةَ مَثَلِ هَمَانِ بِيَمِ دَادَنِي اسْتِ كِه بِيَهُودِ بَنِي نَضِيرِ يَا بِيَهُودَ مَشْرَكِينَ مَكَّةَ رَسِيدِ وَخَدَاوَنَدِي فَرَمَايَدِ: مَثَلِ مَنَافِقَانِ يَهُودِ دَرِ وَعَدَةِ كَوْمَكِّ دَادَنِ بِيَهُودِ قُرَيْظَةَ مَانَنَدِ مَثَلِ شَيْطَانِ اسْتِ كِه وَعَدَهُ بِيَهُودَانِ مَغْرُورِ دَادِ اَوَاوَرَا بِيَهُودِ وَادَارِ سَاخَتِ اِبْسِ اَزْ اَنِ كَفْتِ: مَنِ اَزْ تُو (اِي اِنْسَانِ مَغْرُورِ) فِي زَارِمِ وَازْ خَدَايِ جِهَانِيَانِ يَ تَرَسِمِ اَيْنَكِّ شَرَحِ اَيْنِ دَايَسْتَانِ: زَاهِدِ يَهُودِ وَابَلِيَسِ- مَفْسِرَانِ نُوَشْتِهْ اَنَدِ كِه اَيْنِ دُو آيَتِ دَرِ وَصَفِ بَرِ صَيِّصَا زَاهِدِ يَهُودِي آَمَدِهْ وَشَرَحِ اَنِ چنين نوشته اند که: راهبي يهودي بر صييصا نام در روزگار فترت بنی اسرائیل صومعه ای ساخته و هفتاد سال در آنجا مجاور شده و خدای را پرستش می کرد.

ابلیس ملعون در کار او فرو مانده و از گمراه کردن او ناتوان شده بود! روزی مریدهای خود را (شیطانها) جمع کرد و گفت: کمی مرا از این زاهد کافی است که او را از راه به در برد؟ یکی از آن شیطانها گفت: من این کار کفایت کنم! و مراد تو را حاصل نمایم.

شیطان مرید، به در صومعه رفت و به سپاهی راهبان گفت: من مردی راهبم و عزلت و خلوت می خواهم، تو را چه زیان اگر من به صحبت تو بیاسایم و در این خلوتگاه با هم عبادت کنیم؟ چون بر صیصا را عادت در نماز این بود که ده روز از نماز بیرون نیامدی و روزه دار بودی و هر ده روز یکبار افطار کردی! شیطان هم در برابر او به نماز ایستاد و بر نیایش خود بیفزود چنانکه چهل روز در نماز بودی و بعد از چهل روز افطار کردی! بر صیصا، چون خود را در برابر عبادت او قاصر دید به او علاقه مند شد! شیطان گفت: مرا رفیق دیگری است که من عبادت تو را از او بیشتر می دانستم لیکن معلوم شد چنین نیست، اینک نزد او میروم! بر صیصا جدائی از او را ناخوش آیند دید! شیطان گفت: ناچار باید بروم! ولی تو را دعائی بیاموزم که هر بیمار و دیوانه ای را شفا بخشد! راهب ابتدا نمی پذیرفت و پس از اصرار شیطان و ذکر نفع آن پذیرفت!

شیطان نزد ابلیس رفت و گفت: این مرد را گمراه کردم! سپس برفت و مردی را دیوانه و جن زده کرد، آنگاه بصورت پزشکی به درب خانه او رفت و گفت: می خواهید بیماری شما را درمان کنم؟ آنها پذیرفتند، شیطان چون بیمار را دید گفت: درمان این سخت است و کار من نیست و چاره او به دست راهبی است که در این صومعه است! او او را معرفی کرد، او را نزد راهب بردند و او دعائی خواند و بیمار شفا یافت!

سپس شیطان، یکی از زنان زیبای یهود را رنجه کرد تا بسان دیوانگان شد و او را سه برادر بود شیطان نزد آنها رفت و گفت: من پزشکی و درمان بیماری کنم، چون زن را دید گفت: کار من نیست و کار راهب این صومعه است گفتند: شاید راهب نپذیرد؟ گفت: نزدیک صومعه او جایی بسازید و زن را آنجا گذارید و گوئید این امانت است به تو سپردیم! که در حق او دعا کنی! آنها چنان کردند و راهب از صومعه بیرون آمد زنی دید در غایت زیبایی! و از جمال او در فتنه افتاد! شیطان او را وسوسه کرد و گفت: کام از او برگیر و سپس توبه کن که درب توبه گشاده و رحمت خداوند فراوان است! راهب چنان کرد و زن باردار شد!

راهب به خود آمد و از این کار پشیمان شد و از رسوائی آن ترسید! شیطان او را وسوسه کرد که زن را کشته و پنهان کند تا از رسوائی در امان باشد! راهب چنان کرد و چون برادران آمدند و خواهر خود را ندیدند.

راهب گفت: شیطانی آمد و او را برد و من زور نگاهداری اورا نداشتم و آنان باور داشتند و رفتند!

شیطان شب به خواب برادران آمد که گفت: راهب خواهر آنها را کشته و در فلان جا خاک کرده ایشان هم رفتند و جسد خواهر را از خاک در آورده نزد پادشاه بردند! راهب ناچار به گناه خود اعتراف کرد و بحکم پادشاه او را بردند که به دار آویزند؟! آن ساعت شیطان برابر او آمد و گفت: همه این کارها و پیش آمدها ساخته و پرداخته من است اگر آنچه فرمایم انجام دهی تو را نجات دهم، راهب گفت: در فرمانم! شیطان گفت: مرا سجده کن! آن بدبخت او را سجده کرد و کافر گشت! او را با کفر به دار زدند! فَاَعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْبَصَارِ! ۱۸- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ. آیه. در یک آیت دو بار ذکر تقوی کرده اول تقوی عام یعنی از حرام پرهیز کردن، دوم تقوی خاص یعنی از هر چه دون حق است پرهیز کردن. تقوای اول اشارت به اصل تقوی است و دوم اشاره به کمال تقوی است و از عذاب رستخیز نتوان در امان بود جز با کمال تقوی! همه مرادها را باید گذاشت و بی مرادی را در برگرفت، همه زهرها را نوش باید گرفت و همه نوشها را زهر باید پنداشت چون باینجا رسیدید به کمال تقوی رسیده اید!

واسطی عارف بزرگوار گوید: اهل تقوی که به مردم دنیا تکبر کنند، آنان مدعی تقوی هستند نه مستقی، زیرا اگر دنیا در دل آنها وقتی و شائی نداشتی هرگز تکبر نکردی! عزیزی گفته: دنیا سفالی است و آنها در خواب و آخرت گوهری است آنها در بیداری یافته! مرد نه آنست که در سفال به خواب دیده مستقی شود! مرد آنست که در گوهر به بیداری دیده مستقی گردد! راه رونندگان تقوی را سه قدم است: قدم نخست قدم شریعت که تن را روشن کند، دوم قدم طریقت که دل را روشن کند، قدم سوم قدم حقیقت که جان را روشن کند، منزل رونندگان تن بهشت است، منزل رونندگان دل مقعد صدق یا نشیمن گاه راستی است و منزل جان عند ملیک مقتدر است که در حضور بارگاه کبریائی است.

۲۱- لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ. آیه، در این آیت، نشر بساط توقیر قرآن و اخبار از بیان تعظیم آن است که کلامی خطیر، نظامی بی نظیر، جان آسائی، دل پذیر، راه نمائی دستگیر. فراریان را بند و گناهکاران را پند، تاریکی حیرت را نور مبین، و عصمت را حبیلی است متین! خبر او صدق، شهادت او حق، تأویل او جان آویز، تفسیر او مهرانگیز، چه بسا قفلهای که به او از دلها برداشتند و چه بسا رقمهای محبت که به او در سینه ها نگاشتند و چه بسا بیگانگان که به او آشنا گشتند! و چه بسیار خزینه های معرفت که به او پیدا کردند! و چه بسیار خفتگان که به او بیدار شدند! و چه بسا غافلان که به او هشیار گشتند و چه بسا طالبان که به او به مقصود رسیدند و مشتاقانی که به او دوست را یافتند، پس او هم یاد است هم یادگار! بنازش میدار تا به وقت دیدار.

دل را اثر روی تو گیل پوش کند
جان را سخن تو مدهوش کند!
آتش که شراب وصل تو نوش کند
از لطف تو سوختن فراموش کند!

۲۲-۲۳-۲۴- هُوَ اللَّهُ الَّذِي... معقل بن یسار و ابو امامه و ابو هریره هر سه از رسول خدا (هر یک جداگانه) درباره سه آیه آخر سوره حشر شنیده اند که: قرائت آنها ثواب درود هزاران فرشته به خواننده دارد و مرگ وی مرگ شهیدان که در بهشت جاودانند و آن سه آیه بمنزله اسم اعظم هستند که باید زیاد قرائت کرد!

سوره - ۶۰ - ممتحنه - ۱۳ - آیه - مدنی - جزو ۲۸

تفسیر لفظی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بنام خداوند بخشنده مهربان .

۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَتْكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ لَا إِيمَانَ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا دُشْمَانًا لِلدِّينِ عَلَى مَا كَفَرْتُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ . ان كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ . فَتَقَعَلَنَّهُمْ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ . اگر از خان و مان خود برای جهاد در راه من بیرون آمدید و برای دشمنان من دوستی می کنید (با دشمنان من دوستی می کنید) شما در پنهانی با ایشان دوستی می کنید! و من به آنچه شما پنهان یا آشکارا می دارید دانا هستم و هر کس از شما این کار را بکند از راه راست گم شده!

۲- إِنْ يَشْفِقُوا عَلَيْكُمْ إِنْ كُنْتُمْ كُفْرًا أَوْ إِيمَانًا أَوْ بَيْنَ ذَلِكَ فَلْيُشْفِقُوا عَلَيْكُمْ إِنْ كُنْتُمْ كُفْرًا أَوْ إِيمَانًا أَوْ بَيْنَ ذَلِكَ فَلْيُشْفِقُوا عَلَيْكُمْ إِنْ كُنْتُمْ كُفْرًا أَوْ إِيمَانًا أَوْ بَيْنَ ذَلِكَ فَلْيُشْفِقُوا عَلَيْكُمْ . اگر شما را جانی در یابند دشمنان شما باشند و دستها و زبانهای خویش را به بدگویی شما می گشایند و دوست دارند که شما کافر شوید .

۳- لَنْ نَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ . در روز رستاخیز، هرگز خویشان و فرزندان شما برای شما سودمند نخواهند بود و آن روز میان شما جدائی افکنند و داوری بر گزارند و دشمنی برگسلند و خداوند به آنچه شما می کنید آگاه است .

۴- قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ . شما را ناسی کردن به ابراهیم و بر نشان او رفتن و به کسانی که با او بوده اند پیروی نمودن است ، إِذْ قَالَ لِلْقَوْمِ هَيْبِمِ إِنَّا بَرَاءٌ مِنْكُمْ وَ مَعًا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَّلْنَا بَيْنَكُمُ الْعِدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ ، آنگاه که آنان به کسان خویش گفتند ما از شما بیزاریم و از آنچه جز خدای یگانه را می پرستید ما بشما کافریم و میان ما و شما همیشه دشمنی و خشم پدید آمده! مگر آنکه به خدای یگانه بگروید ، إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لَا بِيَهٍ لَا اسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمِنَّا بِكَ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَّمَكْ تَوْكَانَنَا وَإِلَيْكَ أَنبَأْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ . (پیروی شما از ابراهیم نیکو است) مگر گفته او درباره پدرش که گفت: من برای تو از خدا آمرزش خواهم خواست، ولی به دست من برای تو از خدا چیزی نیست، خداوند، به تو تو کفر می کنی و به تو باز می گردیم .

۵- رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . پروردگارا ، ما را فتنه (شک و گمان افزودن) کافران مکن و ما را بیامرز که تویی آن عزیز که کس با تو نوا و دورا غلط و خطا نیفتد و تو توانا و دانائی .

۶- لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ . شما را در ابراهیم و کسان او پی بر دنی نیکو است برای کسیکه از خدا و روز رستاخیز ترسد و هر کس از ایمان برگردد (بداند) که خداوند بی نیاز ستوده است.

۷- عَسَى اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بَيْنًا مَّوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ . امید است که خداوند میان شما و کسانی که دشمنی دارید دوستی سازد، که خدا توانا است و آمرزنده و بخشاینده است .

۸- لَا يَنْهَيْكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ . خداوند شما را از کسانی که در راه دین تیغ شما نزدند باز نمی دارد و آنها که شما را از خانه هاتان بیرون نکردند منع نمی کند که با ایشان نیکوئی کنید و داد به ایشان رسانید، که خداوند دادگران را دوست دارد .

۹- إِنَّمَا يَنْهَيْكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُوْلَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ . همانا، خداوند شما را از (دوستی) کسانی باز میدارد که در دین با شما کشتار کردند، و از خان و مانتان بیرون کردند، مبادا که با آنها به دوستی گزینید او هر کس با آنها به دوستی گزیند، آنان خود ستم کارانند .

۱۰- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنَّ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَأَهْنَّ لَهُنَّ وَلَا هُمْ يُحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا . ای مؤمنان هنگامیکه زنهای با ایمان نزد شما آیند بعنوان مهاجرت، پس آنها را بیازمائید، هر چند خداوند ایمان آنها را دادند، اگر آنها را برای ایمان ثابت یافتید آنها را به کافران مفرستید که نه زنان با ایمان برای کافران حلال است و نه مردان کافر برای آنها حلالند، و کاین که به آنها داده اند به آنها بفرستید وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُفَّارِ وَلَا أَسْأَلُوكُم مَّا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُم مَّا أَنْفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ . بر شما تنگی نیست که زنهای مهاجر به زنی بگیریید بشرطیکه به آنها مهر دهید و زنان کافر را نگاه ندارید و ایشان را زنان خویش مشمرید ، و کاین که به زن کافر داده اید باز ستانید و آنها هم کاین که به زنی داده اند که بسوی شما آمده باز پس گیرند، این است حکم خداوند که میان شما حکم می کند و خداوند دانا و راست دانش است .

۱۱- وَإِن فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَمَا اقْبَلْتُمْ فَآتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِّثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ . اگر زنی از شما به کافران رود و شما جنگ کردید ، پس به شوهران آنها از مال غنیمت به اندازه ای که بر آن زن داده به او بدهید و خدای را که به او گرویده اید پرهیزید (و بپرستید) .

۱۲- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَن لَّا يُنْفِرْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ

وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَتَعَصِبَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايَعَهُنَّ وَأَسْتَخْفِرَ لَهُنَّ اللَّهُ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. ای پیغامبر چون زنان مؤمن به تو آیند، که بیعت کنند بر اینکه به خدا چیزی شریک نیابند (انبار نسازند) و دزدی نکنند و زنا نکنند و کودکان خود را نکشند و فرزندی از شوهر پیشین یا پسین از حرام نیارند (که به دروغ به کسی بگویند این بچه از تو است و نسبت آنرا به او دهند و در دست و پای او افکنند) و در تو برای سخنان نیکو و عصیان نوزند، (با این شرطها) با آنان بیعت کن و برای آنها از خدا آمرزش خواه، که خداوند آمرزنده و مهربان است.

۱۳- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ بَيَّسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَبَيِّنُ الْكُفَّارُ مِنَ أَصْحَابِ النَّبِيِّ . ای گروهندگان، کسانی که خداوند به آنها خشم کرده به دوستی مگیرید آنان از آخرت ناامید شده ، هم چنانکه کافران از دیدار مردگان در گورها نومید شدند !

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . سه چیز است که سعادت بنده در آنست و روی بندگی به آن روشن است: نخست اشتغال زبان به ذکر حق ، دیگری استغراق دل به مهر حق ، سوم امتلاء سر از نظر حق ، خوشا کسی که خداوند به سر او نظر کند تا دل وی به مهر بیاراید و زبان وی به ذکر دارد .

بدانکه: هیچ ذکر عزیزتر از نام خدا نیست و هیچ نام و ذکر عزیزتر از آیت تسمیه است (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) نیست که مصطفی فرمود. هر کار بزرگ و باخطیر که در آغاز آن بِسْمِ اللَّهِ نبود آن کار ناقص باشد و از آن مقصود برنیاید ! بی توییغ بِسْمِ اللَّهِ هیچ کار زوان نگردد ، بی گفتن بِسْمِ اللَّهِ نماز درست نه و رازت به کار نیست ! و شرف سوره های قرآن برای خواننده از وجود بِسْمِ اللَّهِ است.

پیر طریقت گفت: اگر همه مَلَائِكَةُ موجود بنام تو باز کنند بنگر تا بی توییغ بِسْمِ اللَّهِ بدان ننگری ! که آنرا به قدر پر پشه ای قدر و قیمت نیست و شرفی از آن بالاتر نباشد که بِسْمِ اللَّهِ داغی و نشانی از آن خویش بر میان بجانت نهد ، زیرا هر جانی عاشق تر باشد آنرا اسیر تر گیرند، و هر دلی سوخته تر بود رختش زود به غارت برند !

گفتم که چو زیرم و به دست تو اسیر بنواز مرا ، من تو ای پدر منیر

گفتا که : ز زخم من تو آزار مگیر در زخمه بود همه نواز بدن زیر

۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ . آیه . ای شما که ایمان آوردید ،

و پیغام رسان را راست دانستید و پیغام مرا به جان و دل پذیرفتید، دشمن من و دشمن خود را به دوستی مگیرید، هیچ دشمن شما بدتر از نفس امّاره نیست ازینهار از او ایمن نباشید و پیوسته از او برخیزد. باشد که مصطفی فرمود: دشمنترین دشمن تو ، نفس تو است که میان دو پهلوی تو است ! زیرا او همه آن خواهد که زبان تو در آن است ، هر کس نفس خویش را خود کامه دارد ، خویش را تخم حسرت می کارد !

خداوند به داود فرمود: نفس خویش را دشمن دار و دشمنی او را در میان بند و او را در بند قهر و زندان مخالفت بدار که در کشور ما را جز او منازع و دشمن نیست ! چه که این نفس خاکی و سفلی و ظلمانی دشمنی غدار و مکتار است و مایه و ریشه وی از تنافس و خودنمائی است و منافست مقدمه حسد و حقد و بغض و عداوت است .

محمد مصطفی ، در مراجعت از یکی از جنگها فرمود : از جهاد کوچکتر برگشتیم و اینک باید به جهاد بزرگتر برویم ، زیرا با لشکری ، بتوان روم از قیصر گرفت ا ولی با نیروی همه روی زمین ، نفس را از یکی نتوان گرفت ، که در جنگ با دشمن ، رویاروی جنگ شود و پیروزی نصیب گردد ، اما در جهاد با نفس ، معاینه نباشد بلکه در ظاهر ، دوستی و مودت کند ، و کار نیک جلوه دهد ا و مردان دین بدین سبب او را اطاعت کنند ا که شکارچی مرغ با مرغ گیرد ا

احمد بلخی عارف بزرگ ، گوید نفس خود را که به انواع ریاضت و مجاهدت مقهور و مغلوب کردم ، روزی نشاط جنگ داشت ، شگفتم آمد که از نفس نشاط طاعت نیاید ا گفتم در زیر این گوی چه حیل باشد ؟ اینک او را آزمایش کنم ا می دانستم که طاقت گرسنگی ندارد ، گفتم ای نفس ، اگر من به سفر جنگ روم روزه نگشایم ا گفت روا دارم ا می دانستم که طاقت شب بیداری نماز شب ندارد ا گفتم ای نفس ، من در سفر هم نماز شب ترک نکنم گفت روا دارم ا می دانستم که در حضر با مردم نمی آمیزد و بوسیله سفر می خواهد با مردم معاشرت کند ، گفتم ای نفس ، من در سفر در خرابه ای فرود آیم و با کسی آمدوشد ندارم ا گفت روا دارم ا چون از دست او عاجز گشته به خداوند متوسل شدم که مرا از مکر و حیل وی آگهی دهد ، تا آنکه او را به اقرار آوزدم ا گفت در حضر روزی هزار بار مرا برخلاف میل من بکشی ا و مردم ندانند ولی در جنگ کشتن یک بار باشد ، و همه جا مشهور شود که احمد در جنگ شهید شد و من این همه کارها می کنم که چون در جنگ شهید بمیری شهادت یکبار است ا و من از چندین بار سنگین عبادات تو آسوده میشوم ا

﴿ سوره - ۶۱ - صف - ۱۴ - آیه - مدنی - جزو ۲۸ ﴾

﴿ تفسیر لفظی ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . بنام خداوند فراخ بخشایش مهربان .
 ۱- سَبَّحَ اللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . پاک و ستوده است خدائی که آنچه در آسمانها و زمین است او را ستایش می کنند و او است عزیز و حکیم .
 ۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ . ای کسانی که گرویده اید ، چرا می گوئید آنچه را که نمی کنید ؟

۳- كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ . نزد خداوند زشتی بزرگ و خشم آور است که بگوئید امری را و نکنید ا

۴- إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَاتِبًا مَرَّضًا . خداوند کسانی را که صف در راه او می جنگند دوست می دارد ، گوی که آنان در صف جنگ چون دیواری درهم رسته اند ا

۵- وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَقُولُونَ لِمَ تَقُولُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ . یاد کن (ای محمد) وقتی که موسی به کسان خود گفت : ای قوم ، چرا مرا آزار می دهید ؟ در حالیکه می دانید من فرستاده خدا بسوی شما هستم ا پس چون قوم از فرمان برداری موسی بگشتند ، خداوند دلهای آنانرا بگردانید (از آشنائی) و خداوند ، بیرون شدگان

از اطاعت را راه نمائی نمی کند .

۶- وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِيهِ مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ . وقتی که عیسی پسر مریم به بنی اسرائیل گفت : من فرستاده خداوند بسوی شما هستم و راست دارنده و پذیرنده آن کتاب تورات که پیش از من فرو آمده و بزرگ دهنده است به رسولی که نامش احمد است پس چون عیسی با معجزه های روشن به آنها آمد ، گفتند این جادویی آشکار است .

۷- وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُوَ يُدْعَىٰ إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ . کیست ستم کارتر از کسی که بر خداوند دروغ میسازد ؟ در حالیکه او را به اسلام و مسلمانی می خوانند و خداوند ستم کاران را راه نمائی نکند .

۸- يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ . آنان می خواهند با دهان خود نور خدائی را (قرآن و محمد) خاموش کنند در حالی که خداوند تمام کننده نور خویش است هر چند کافران را خوش نیاید .

۹- هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ . او خدائی است که رسول خود را براه نمونی و دین حق فرستاده ، تا آنرا بر همه دینها برتر دارد ، هر چند که انبازگیران را دشوار آید .

۱۰- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ نَجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ . ای گروهندگان می خواهید شما را راه نمونی کنیم بر کار بازرگانی که شما را از عذاب دردناک رهائی دهد ؟

۱۱- تَوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ . آن بازرگانی این است که به خدا ایمان آورید و در راه خدا با مال و جان خود جهاد کنید ، این شما را از هر بازرگانی بهتر است .

۱۲- يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ يُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِينٍ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ . خداوند گناهان شما را بیامرزد و در بهشتی که آب از زیر درختان آن روان است در جاهای پاکیزه و بهشتی همیشه وارد کند که این است رستگاری بزرگوار .

۱۳- وَأَخْرَجِي تَحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ . و بازرگانی دیگر که دوست میدارید ، یاری از سوی خداوند و پیروزی نزدیک است که آنرا به گروهندگان بشارت ده (ای محمد) .

۱۴- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارًا لِلَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ . ای کسانی که ایمان آوردند ، یاران دین خدا باشید ، چنانکه عیسی پسر مریم به حواریان گفت : کیست یاران من در روی کردن بسوی خدا ؟ حواریان گفتند : ما یاران خدائیم و یاری دهندگان دین او و فرستاده او . فَاسْمَنَّا طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَتَبَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ . پس گروهی از یهودیان به عیسی ایمان آوردند و گروهی کافر شدند و ما آن گروه را که ایمان آوردند یاری کردیم و دست دادیم تا بر دشمنان برتری و پیروزی یافتند .

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . استاد بوعلی در مجلسی که قاری قرآن می خواند گفت : بَاءِ بِسْمِ اللَّهِ درگاه عزت قرآن است ، نگر تا بجزمت فرا روی ، و جز به چشم تعظیم ننگری ! که اگر شرّری از سیاست جلال خداوندی بر کائنات مستولی شود ، همه آنها نابود گردد او اگر نوری به صفت جمال خداوندی بر عالم کون و فساد در ظهور آید ، همه ظلمتها نور گردد و همه کفرها توحید شود و همه زناها کمر بند عشق دین گردد !

پیر طریقت گفت : ای یار یارم ده ، تا داستان دردِ خود به تو پردازم ، بر درگاهِ تو می زارم و در امیدِ بیم آمیزِ تو می نازم ، الاهی ، واپذیرم تا با تو پردازم یک نظر در من نگر ، تا دو گیتی به آب اندازم .

یک روز جمال خویش اگر بنمائی پرنور شود ز ماه بر تاماهی

۱- سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ . آیه . هر کس بخوهد در دنیا خداستانی او پاک و صاف و بی آرایش باشد باید دل خویش را از آلودگی های نفس امّاره پاک نگاه دارد و هر کس بخوهد لذت بهشت در آخرت بر او صاف و گوارا باشد ، باید دین خود را از آرایش هوی و هوس صاف و پاک دارد . زیرا :

مردمان دو گروهند : گروهی زندگانیشان به لطف و فضل حق و آسایش آنان به ذکر حق است و گروهی دیگر زندگانیشان نشانه عدل حق و آسایش ایشان به حفظ نفس است . آنان که اهل لطف و فضلند ، دلی صافی و همتی عالی و سینه ای خالی دارند که در آن یادگار الاهی است ، و زبانشان به شهادت داده و دلشان به معرفت پرداخته و جانشان با محبت آمیخته و از صفات خود بی زار گشته ! که هر چه صفت خودی همه بنداست او هر چه بنداست همه رنگ است و آنچه رنگ است همه تنگ است ! زیرا :

آن کس که هزار عالم ، از رنگ نگاشت رنگت من و تو کجا خرد ، ای ناداشت ؟

چون تسبیح و ذکر این گروه از معدن پاک بر آید و به خداوند پاک رسد و پسندیده و پذیرفته خداوند باشد . اما آنها که نشانه عدل حق باشند و زندگانیشان به لذت نفس باشد و سینه آنها آلوده شهوت ا و دلشان معدن فتنه و فساد ا و باطن آنها برخلاف ظاهر باشد ، نام ایشان در ردیف دورویان و منافقان باشد و گفتارشان خلاف کردارشان باشد که فرمود :

... لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ . آیه . چرا چیزی می گوئید که خود نمی کنید ؟ نزد خداوند کرداری

از آن زشت تر نیست یعنی گفتاری که با آن کردار نیست او عطفی که واعظ از آن بی بهره باشد !

خداوند به عیسی وحی فرستاد که : ای پسر مریم ، نخست خود را بند ده ، آنگاه اگر آگاه شدی

دیگر انرا بند ده و گرنه از من شرم دار !

۴- إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا . آیه . در باره گروهی است که در بالابردن

کلمه حق کوشند و از بهر اعزاز و تعظیم دین بادشمنان خدا جهاد کنند ، این همان بازرگانی پرسودی است که فرمود :

... هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ . آیه . تجارت سودمند ، ایمان است و جهاد بادشمنان دین .

و دشمنان دو گونه اند : گروهی که سپاه شیطانند و به دستان و وسواس و مکر دستشان گشاده ! و گروهی دیگر که آرزوهای خود را به دست هوای نفس سپرده در حالیکه آن پیوسته در هلاکشان می کوشد ! گروهی دشمن ظاهراند و آنها کافراند که بر دین اسلام نیستند و گروهی دشمن باطن اند ، آنها که بر دین اسلام بدعت نهند و آن دو گروه

اول جزء دشمنان باطن هستند .

و باید دانست که جنگ و جهاد با کافران با شمشیر سیاست است و با شیطان به مداومت در ذکر حق ، با هوای نفس به تیر مجاهدت و ریاضت است ، و هر کرا توفیق رفیق باشد و سعادت مساعد ، در تصفیه احوال و تهذیب اعمال درست آید و از خزینه رحمت خداوندی خلعت آمرزش یابد و در مجمع انس ، شراب قدس بیند ، که فرمود: **وَمَسَاكِينٌ طَيِّبَةٌ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ** این است فوز عظیم و رستگاری بزرگ !

﴿سوره ۶۲- جمعه - ۱۱- آیه - مدنی - جز ۲۸﴾

﴿تفسیر لفظی﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بنام خداوند فراخ بخشایش مهربان .

۱- **يَسْبَحُ اللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقَدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ** . آنچه در آسمانها و زمین است بپاکی خدای را می ستاید ، آن پادشاه پاک ستوده ، بی همتا و راست دانش .

۲- **هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ** . او است خدائی که در میان ناخواندگان و نادیران ، فرستاده ای هم از ایشان برانگیخت که آنها را هنری و پاک می سازد و قرآن و درس دین را به آنها می آموزد ، هر چند که از این پیش ، آنان در گمراهی آشکارا بودند .

۳- **وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لِمَأْتَلِحَاقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ** . و دیگران هم از ایشان هستند که هنوز با ایشان در نرسیده اند (و بعد می آیند) و او است توانا و راست دانش .

۴- **ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ** . این فضل و لطف خداوند است که به هر کس بخواهد میدهد و او است دارای فضل بزرگ .

۵- **مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِمَثَلِ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ** . مثل کسانی که گفتند تورات را بردارید و برنداشند و نپذیرفتند ، براسی بسان خراس است که کراسه هائی (جزوه ها) بردارد! بدمثلی است برای کسانی که نشانها و پیغام خدا را و دروغ شمرند! و خداوند قوم ستمگر را راه نمائی نمی کند .

۶- **قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ** . بگو (ای محمد) به کسانی که بجهود (یهودی) شدند (وازار راه راست بگشتند) اگر گمان می کنید که تنها از میان تمام مردم ، شما دوستان خدائید ، پس مرگ را آرزو کنید! اگر راست می گوئید!

۷- **وَلَا يَتَمَتَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ آيَدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ** . و هرگز آنها مرگ را آرزو نکنند به سبب کارهائی که دست ایشان از پیش فرا فرستاده است! و خداوند به ستم گران دانا است .

۸- **قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَقْرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنسَبُ بِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ** . بگو (ای محمد) به آنها ، آن مرگ که شما از آن می گریزید ، شما را آمدنی است ، پس از آن شما را به جهان پنهان و آشکار باز برند ، تا خداوند شما را به آنچه می کردید

خبر کند !

۹- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ . ای مؤمنان ، چون روز آدینه بانگ نماز زند ، پس سعی کنید بسوی ذکر خدا ، و خرید و فروش را بگذارید ، این برای شما بهتر است اگر میدانید (۱).

۱۰- فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ . چون نماز گزارده شد ، در روی زمین بپراکنید و از فضل خدا روزی بخواهید و خدا را بسیار یاد کنید تا مگر رستگار شوید (و نیک روز بمانید) .

۱۱- وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ . و چون (این مردم) تجارتی یا آوازطوی و لغوی شنوند ، بسوی آن پراکنند و تو را برپای ایستاده فروگذارند ا (ای محمد) بگو به آنها آنچه نزد خدا است بهتر است از طبل و کاروان و آوای بازرگانی او خداوند بهترین روزی دهان است .

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ این است نام عزیز آزی ، این است نظم لطیف و آراسته ، نام دل را انس است و جانرا پیغام ، از دوست یادگار و بر جان عاشقان سلام ، خدا است بگانه یکتا ، در ذات و صفات بی همتا ، از هم مانندی ما جدا ، در حکم بی چون و چرا ، شنونده راز است و نیوشنده دعا ، در آزمایش با عطا است ، و در ضمانها با وفا ، رحمان و مهربان که بر بنده بخشاید و جفای آنان را به نیکوئی نگردد و بنده اگر چه بد کار است و از گناه گران بار ا رحمان او را آمرزگار ، و گناه او را در گذار ، خوب نگار است و در گفتار ، جهان را آفریننده و خلق را نگاهدار ، دشمن را دارنده و دوست را یار . رحیم است که رحمت خود را بر مؤمنان باران کرد و عطای خویش را بر ایشان ریزان ، هر کس را آنچه صلاح و بهینه او بود آن کرد ، و گناهان مردم را زیر حلیم خود پنهان . هر زبان که به نام او گویا است پاك و هر دل که به مِهر او یارا است آباد و یاد کننده او در این جهان و جهان دیگر آزاد است .

چون یاد تو آرم ، از غمان آزادم جز یاد تو هر چه بود رفت از یادم

۱- يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ . آیه . پادشاه به حقیقت او است که مملکش را عزل نیست و جیدش را عزل نه ا و عزیزش را ذل نه ، و حکمش را رد نیست ، بنده مؤمن چون داند که مالکیت حقیقی خدا است ، اوج دعاوی بشکنند و بساط هوس در نیورد ، دست از دامن جهانیان در کشد . ننگش آید که مخلوق را تذلل کند ، یا بهر لقمه ای گردن برافراشته خود را بشکند .

هر کس جلال حق بدانست به دلال خلق تن در ندهد و دست صدقش از دو جهان کوتاه و پای عشقش همیشه در راه باشد و دلش در اختیار عزت پادشاه و سیرش کان راز صاحب جلال گردد و در پیشانیش نشان اقبال ، و در دیده یقینش نور اعمال ، و در مشامش بوی های خوش وصال بود ، مردم همه با کام و بانام و با حال باشند و او بی کام و بی نام و بی حال بود ، چه زبان او را که در سرای آخرت عندلیب باغ عیندیت (نزد خدا بودن)

(۱) در واجب بودن نماز جمعه میان مسلمین عقاید مختلف است ، گروهی عقیده دارند بر مردم هر آبادی که چهل نفر ساکن ثابت و دائم دارد نماز جمعه واجب است و از حضرت علی امیرالمؤمنین (ع) نقل کنند که هر جا مسجد جامع است نماز جمعه واجب است و عقیده اصحاب رای هم چنین است .

و بازِ رازیِ احدیّت باشد.

حسین منصور حلاج را، از زهد پرسیدند، گفت: تنعم دنیا بگذاشتن، زهد نفس است و نعيم آخرت بگذاشتن، زهد دل است و ترك خویش بگفتن، زهد جان است. آنان که در دنیا زاهد شدند در سرای رضوان فرو آمدند، آنها که در بهشت زاهد شدند به مقام قدس فرو آمدند، و آن طایفه که در خودی خود زاهد شدند، ایشانرا سیلاب وادی لا اله الا الله در ربود، و در این سرای از آنان خبری نه، در آن سرای هم اثری از آنها نیست! در سرآزده احدیّت فرو آمدند و در بارگاه صمدیّت ایشانرا بار دادند.

۲- هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا آيَهُ. این آیت، صفت مهتر عالم و سید فرزند آدم است، یتیم بود از صدف قدرت برآمده، آفتابی روشن از فلک اقبال بتافته، درختی شگرف از بوستان دولت برآمده، خداوند او را به حقیقت نبوت مزین کرده و به مردی نادان و نادبیران فرستاده، چه خلتی؟ که از حق بی خبران و در جهان حیرت سرگردان. چون قدم در عالم بعثت نهاد، بیساط شرع گسترده، و چنانکه میزبان بهر میهمان سفره نهد و آواز دهد، او سفره اسلام نهاد و صلاهی دعوت آواز داد.

جان پاکان گشینه عدل تو بود از دیرباز (۱) سفره اندر سیدره بنهادی و در وادی صلا

ای یتیمی دیده، اکنون با یتیمان لطف کن وای غریبی کرده اکنون با غریبان کن سخا

سید عالم، سفره دعوت نهاد، و به صلا آواز داد (۲) خواجگان قریش اجابت نکردند و گفتند ما را عار است که بر سفره گدایان و درویشان نشستن! فرمان آمد که ای سید، از اینان چه رنج می بری؟ سرشت پلید ایشان نه از آن اصل است که هرگز نقش نگین تو پذیرد.

۵-... كَمْ مَثَلِ الْحِمَلِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا آيَهُ. مَثَلِ ايشان مَثَلِ خَر است که برگزیده اودفتر و جزوه کتاب باشد، خرا از آن دفتر چه سود؟ که هوش و گوش دریافت ندارد! ایشانرا نیز از دعوت چه سود؟ که برگوش و بردلشان مهور بیگانگی است و بر دیده شان پرده غفلت! نه زبانشان سزاوار ذکر ما است و نه دلشان بابت مهور ما. اگر نقد دین می جوئی و سوز عشق مای طلبی، از دلهای درویشان صحابه جوی! که در دلشان سوز عشق ما است، و در سرشان خمار شراب ذکر ما، دل ایشان حریق مهر و محبت، و جانشان غریق نظر لطف ما است.

این درویشان زوصل، بوئی دارند گوئی ز شراب مهر، جوئی دارند

در مجلس ذکر، هاوهوئی دارند مئی نعره زند کزو چنوئی دارند

۹- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ آيَهُ. خداوند در این آیت بندگانرا به کاری از کارهای

دین می خواند که تمامی و کمال دین در آن است، و از کیفی گناه رستن به آن است، و بهشت جاودان یافتن در گزاردن آن است. و آن نماز آدینه است. می گوید: ای شما که گروندگان و دوستان و آشنایانند و پیغام را پذیرفته اند و فرمان برداشتند، چون شما را به نماز آدینه بخوانند، آهنگ آن کنید که شما را به من می خوانند، آهسته آید و به وقار آید، نخست به غسل (شست و شو و مسواک) و دیگر جامه بهتر، دیگر بوی خوش، دیگر به گاه آمدن، دیگر مسلمانان را زنجانیدن، دیگر خطبه گوش دادن، که همه این کارها سنت رسول خدا و فرمان او است.

۱- گشینه، عسائنه گرسنه است که در فارسی بسیار متداول است.

۲- صلا، دعوت نماز و یا غذا است.

ثواب نماز جمعه: در خبر است که خداوند بنده مؤمن را در روز آدینه ده چیز وعده داده یکی آنکه چون به نماز آید هر گامی که بردارد، ویرا نیکی در دیوان نویسد، دوم به هر قدمی گناهی از دیوان وی بپسُرد، سوم آنکه گناه یک هفته او را درگذارد، چهارم در ساعتی معین از روز آدینه هر چه از خدا خواهد برآورده شود، پنجم و ششم اگر روز آدینه سوره کهف و شب آن سوره دخان خواند خداوند او را از آفتها نگاهدارد و گناه او را پیامزد، هفتم هر کار نیکی که در روز آدینه کند صد برابر شود، هشتم اگر صد بار درود بر پیغمبر فرستد فردا او را شفیع وی کند، نهم اگر روز آدینه اجل او رسد از عذاب گور ایمن باشد، دهم اگر در آن روز یک بنده از میان آن جماعت آزاد کند، همه بنده های دیگر را به او بخشند.

... فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِي كُرْبَةَ اللَّهِ . آیه. سعی از واجبات نماز آدینه است که خداوند می فرماید: بسوی نماز

جمعه سعی کنید. نمازهای دیگر در خانه یا مسجد تنها گزاردن یا با جماعت جایز است ولی نماز آدینه باید با جماعت باشد.

خداوند فرمود: چون بنده به مسجد رفتن و رنج بر خود نهادن و خدمت گزاردن از بهر من باشد، من یک نیکم از نماز اگر قدم و دور کعبت آوردم. بنده من که امروز یک گام در راه من بردارد مزد او را ضایع نکنم، امروز که به اختیار و نشاط از خانه به مسجد می آئی و فردا به اضطراب از دنیا به گور خواهی رفت! من چگونه آمرزش از تو دریغ دارم؟

سوره ۶۳ - منافقین - ۱۱ آیه - مدنی - جزو ۲۸

تفسیر لفظی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بنام خداوند بخشنده مهربان .

۱- إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ . چون دورویان نزد تو آیند (ای محمد) می گویند ما گواهی می دهیم که تو فرستاده خدای ا و خدا میداند که آنان دروغ گویند .

۲- اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ . سوگند های خویش را سپری برای خود (برخون و مال خویش) گرفتند نازرا خدا برگشتند، آنان کار بسیار بدی کردند .

۳- ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ . این بدکاری به این است که آنها اول ایمان آوردند پس از آن کافر شدند، پس بر دلهای آنان مهر نهادند، تا روشنائی راستی در دلهای آنها نرود و صواب در نیابند .

۴- وَإِذَا رَأَوْهُمْ تَعَجَّبُوا بِجِئَتِكُمْ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْهُمْ خُشِبٌ مُّسْتَنْدَةٌ لَا يُحْسِبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ . هم العَدُوُّ فَأَحْذَرَهُمْ فَأَتَلَتْهُمُ اللَّهُ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ . و چون تنهای آنها را درنگری، چشم تو را خوش آید و تو را شگفت آید، و اگر سخن گویند گوش فرا سخن آنها می دهی، گوئی پلهائی هستند بادیوار دار نهاده، و از بدلی هر بانگی را بر زبان خود پندارند، ایشان دشمنند از آنها پرهیز، خداوند آنها را بکشد! خدا ایشانرا بنفریناد (نفرین کند) چگونه آنها از دین برمی گردند!

۵- وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّارُؤُسَهُمْ وَرَأْيَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ . و چون به ایشان گویند بیاید تا رسول خدا برای شما از خدا آمرزش بخواد، سرها را برمی گردانند و آنها را دیدی که برمی گردند در حالیکه گردن کش هستند .

۶- سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ. خواه (توای محمد) برای آنها آمرزش بخواهی بخوای نخواهی خداوند آنها را هرگز نمی آمرزد چه که خداوند بدکاران را راه نمائی نمی کند.

۷- هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَ لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ. آنانند که می گویند: به کسانی که نزد رسول خدا هستند انفاق نکنید تا از آنجا پراکنده شوند، (آنها نمی دانند) در حالیکه خزانه های روزی در آسمانها و زمین از آن خدا است.

۸- يَقُولُونَ لَسْنَا بِمُؤْمِنِينَ وَاللَّيْلِ نَمُوتُ وَ النَّهَارِ نَحْيَا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَكَبِّرُونَ. رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَا الْأَعْرَابُ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ. منافقان می گویند (پس از جنگی که اسلام پیروز شده بود) اگر به مدینه باز گشتیم، هر که از ما عزیزتر است، خوارترین مردم (یعنی مسلمانها) آنان را از مدینه بیرون خواهند کرد در حالیکه عزت تنها خدای و رسول او و مؤمنین راست، لیکن منافقان (بواسطه غرور) این امر را نمی دانند!

۹- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ. ای ایمان داران، ماله های شما و فرزندان شما را از یاد خدا باز ندارد و هر کس چنین کند از زیان کاران است.

۱۰- وَ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَّ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَ أَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ. از آنچه شما را روزی دادیم نفقه کنید (به فقیران) پیش از آنکه مرگ به یکی از شماها بیاید، و بگویند (هنگام مرگ) پروردگارا، چرا مرگ مرا بتاخیر نپنداختی تا صدقه دهم او از نیکان و صالحان و تائبان باشم؟

۱۱- وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ. (در حالیکه) هرگز خداوند نفسی را (از مرگ) باز پس نگذارد، چون سرانجام او مرگ است و خداوند به کردار شما آگاه است.

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. در قرآن ۲۵۶۳ جا نام (الله) است و در هیچ جای قرآن، چندان آثار کرم و دلائل فضل و رحمت و لطف که در این آیت است (یعنی آیه بِسْمِ اللَّهِ) در دیگر آیت ها نیست! زیرا بر اثر نام (الله) نام رحمن و رحیم امیدگناه کاران و دست آویز مفلسان است، نام رحمن و رحیم تاج صدق بر سر صدیقان و منشور خاصگی در قبضه خاصان است، نام رحمن و رحیم رایت دانش در دست دانایان و زیور شکیبائی و بردباری نزد خداپرستان است، نام رحمن و رحیم باعث وجد و وجدان، سوز عاشقان و شوق مشتاقان است!

لطیفه: در خبر آمده که خداوند به موسی کلیم فرمود: منم خدای رحمن و رحیم، کبریاء و جبروت

صفت من است و الله نام من است، پس چه کسی مانند من است؟

۱- إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ. آیه. از عهد ازل، غواص قدرت در دریای صُلب آدم، هم گوهر شب چراغ و هم شبه سیه رنگ بر آورد و بر ساحل وجود نهاد، که هم مؤمنان بودند، هم منافقان امام مؤمنان را

به فضل خود در صدر عزت و بیساط لطف بداشت و منافقان را به عدل خود در صف ذلت بداشت. مؤمنان را تاج سعادت و کرامت بر فرق نهاد و منافقان را بند مذلت و قید اهانت بر پای نهاد، مؤمنان را در نشیمن گاه صدق نزد خدای توانا جای داد و منافقان را در ک اسفل جایگاه کرد. او هر دو به زبان حال بیک دگر گویند:

نو چنان باش که بخت تو چنان آمد من چنینم که مرا فال چنین آمد

۹- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ . آیه. مراد از ذکر در اینجا نماز است که در جای دیگر فرمود: خرید و فروش و بازرگانی نباید مانع از ذکر خدا یعنی نماز شود، و هر کس که مال و فرزندش مانع نماز و ذکر او گردد از زیان کاران است.

۱۱- وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا . آیه. آنچه در لوح محفوظ هنگام مرگ کسان نوشته شده هیچ گاه به تأخیر نمی افتد! و چون آیت های این سوره در وصف منافقان است، باید دانست که فردای قیامت منافقان به طفیل مؤمنان و به روشنائی نور ایشان همی روند تا به پل صراط رسند، آنگاه مؤمنان پیشی گیرند و به نور ایمان از پل بگذرند و کفر و نفاق منافقان دامن گیرشان شده در تاریکی بر جای بمانند، و از مؤمنان روشنائی خواهند و مؤمنان آنها را گویند: این روشنائی را از حکم آزل بخواید نه از ما! هر کرا نور دادند آن روز دادند، و هر که را گذاشتند آن روز گذاشتند! بهره منافقان جز شقاوت نیست و گمان نبرید که شقاوت در کفر است بلکه کفر در شقاوت است! و گمان نبرید که سعادت در دین است بلکه دین در سعادت است! چنانکه سگ اصحاب کهف خبث کفر داشت و بلعم باعورا لباس دین داشت اسگ را در ردیف آدمی آوردند و رابعهم کتبهم گفتند و بلعم را مرقع سگ پوشیدند و مشله کمثل الکتب فرمودند! پس چه بسا خرمن طاعت که به وقت مردن به باد بی نیازی دهند، و چه بسا سینه آبادان که در حال جان دادن بحراب کنند و چه بسا روی ها که در لحد از قبله بگردانند اوچه بسا آشنا را که در شب نخستین بیگانه خوانند! او هر یک به زبان حال گوید:

مسکین دل من گرچه فراوان داند در دانش عاقبت همی فرومی ماند!

سوره - ۶۴ - تغابن - ۱۸ - آیه - مکی - جزو ۲۸

تفسیر لفظی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بنام خداوند بخشنده مهربان.

۱- يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . خدا را ستایش می کند هر چه در آسمانها و زمین است، پادشاهی و ستایش نیکو اوست. و او است که بر هر چیزی توانا است:

۲- هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فِيهِنَّ كَافِرٌ وَمِنكُمُ الْمُؤْمِنُ وَاللَّهُ يَمَاتَعْمَلُونَ بَصِيرٌ . او است

که شما را آفریده، پس بعضی از شما کافر و بعضی مؤمن هستید و خداوند به آنچه می کنید آگاه است.

۳- خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَالْيَتِيمَ الْمُصِيرٌ .

خداوند، آسمانها و زمین به فرمان روان آفرید و شما را بنگاشت (صورت ساخت) و پیکر شما را نیکو و درخور

شایستگی کرد، و آخر امر بازگشت همه بسوی اوست.

۴- یَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالذَّاتِ الصُّدُورِ . خداوند آنچه در آسمانها و زمین است میداند، و به آنچه شما در نهانی و آشکاری می کنید دانا است، و اوست دانا به آنچه در دلها است .

۵- أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبِيُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ . آیا خبر آنها که از پیش کافر بودند به شما نیامده که گران باری کار خویش و دشواری سرانجام خویش را چشیدند؟ و آنان راست عذابی دردناک!

۶- ذَلِكَ بِيَأْتِيهِمْ رَسُولُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا ابْتَشِرْ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ . این کیفر به آن سبب است که فرستادگان ما با پیغامهای روشن بانها آمدند، پس آنها گفتند آیا یکی از مردمان (بجای فرشته) ما راه نمانی می کند؟ سپس کافر شدند و روگردان گشتند و خداوند از ایشان بی نیاز و باستانیست تمام است .

۷- زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّيُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ . کافران گمان کردند که برانگیخته نمی شوند! بگو (ای محمد)، آری به پروردگار من سوگند که برانگیخته می شوید! پس از آن شما را به آنچه کرده اید خبر می دهند و این کار بر خدای یکتا آسان است .

۸- فَآمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ . پس به خدا و به فرستاده اش و به قرآن که فرو فرستادیم ایمان آورید و خداوند به آنچه می کنید بینا است .

۹- يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ . آن روز که (خداوند) شمارا برای روز جمع آوری فراهم میکند، آن روز (تغابن) روز زبان معامله کافران و سود مؤمنان است و هر کس به خدا ایمان آورد و کار نیک کند، بدیهای او پوشیده میشود و او را به بهشتی در آرند که جویها از زیر درختان آن روان است و در آنجا جاودان هستند، این است سنگاری همیشگی و پیروزی بزرگوار .

۱۰- وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ . آنان که کافر شدند و نشانهها و پیغامهای ما را دروغ پنداشتند، آنها یاران دوزخ اند که در آن جاویدانند و آن بازگشت بدی است .

۱۱- مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ . هیچ مصیبتی و بلائی به کسی نرسد جز به خواست خدا و هر کس به خدا ایمان آورد خدا دل او را به نیکو کاری و به کارسپاری رهبری می کند و خدا به همه چیز دانا است .

۱۲- وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبِلاغُ الْمُبِينُ .

خدا و فرستاده او را فرمان برید و اطاعت کنید ، پس اگر از اطاعت روگردان شدید ا (بدانید) که بر عهده فرستاده ما رساندن پیغام آشکار است و بس .

۱۳- اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ . خدای یگانه است جز او خدائی نیست و مؤمنان بر خدای یگانه باید توکل کنند .

۱۴- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن مِّنْ آزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ وَعَدُوِّكُمْ فَأَخَذُوا هِمًّا وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصَنَّفُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ . ای گروهندگان ، برخی از زنان و فرزندان شما دشمن شما هستند ، پس از آنها دوری کنید و اگر عفو کنید و درگذرید و بیامرزید خداوند آمرزنده مهربان است .

۱۵- إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ . همانا ، مالهای شما و فرزندانان فتنه دل و شور و زیان دلدند او نزد خداوند مزدی بزرگ برای پدر و مادر است .

۱۶- فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْتُمْ خَيْرٌ لَّا تَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ . پس تا بتوانید از خشم و عذاب خداوند پرهیز کنید و فرمان پذیرید و فرمان برید و کسانی که دست خود را از گذاردن به مال مردم باز داشتند ، آنانند رستگاران و روزیبه آمدگان .

۱۷- إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ . اگر وامی نیکو نزد خدا نهدید ، خداوند آنرا دو برابر کند و شمارا بیامرزد ، که خداوند اندک پذیرنده و فراگذارنده است .

۱۸- عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ . دانای نهان و آشکار و توانای دانا و تواننده داننده است .

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . بنام او که جان را جان است و دل را عیان ، یاد او زینت زبان و مهر او راحت روان و وصال او به هر دو عالم ارزان است ، هر چه نه او است همه عین تاوان است و هر دل که نه در طلب او است ویران است ای یک نفس با او به دو گیتی ارزان است ، یکی نظر از او به صد هزار جان رایگان است .

امروز که ماه من مرا مهمان است

بخشیدن جان و دل مرا پیمان است

دل را خطری نیست سخن در جان است

جان افشانم که روز جان افشان است

بار خدایتی که وجودش معلل اشباه نیست و شهودش مقدر اشتباه نه ا مفلسان را جز حضرتش پناه نیست

و عاصیان را جز در گاهش درگاه نه ا و جهانیان را چون او پادشاه نیست و در آسمان و زمین جز او الله نیست .

ای خداوندی که خرد را به تو راه نیست و از حقیقت تو هیچ کس آگاه نه ا

گر پای من از عجز طلبکار تو نیست

تا ظن نبری که دل گرفتار تو نیست

نه زان نایم که جان خریدار تو نیست ا

خود دیده ما ، محرم اسرار تو نیست ا

۱- يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ . آیه . معنی تسبیح تقدیس است و تقدیس

آنست که خدای را از صفات ناسزا منزّه و مقدس دانی و از نقص پاک و از وهم دور ، بیرون از عقل ، قدوس

از قیاس ، موصوف نه معلول ، معروف نه معقول ، پیدا نه مجهول ، چونی اونه معلوم ، عقل در او معزول و فهم

در او حیران ، هستی او دیدنی ، ذات و صفات او پذیرفتنی ، نه دریافتنی و شنیدنی و کیفیت او ندانستنی می فرماید : آنچه در آسمانها و زمین است همه خدای را تسبیح می کنند ، و او را بپاکی می ستایند ، شما تسبیح آسمان و زمین و آب و آتش و باد و خاک و کوه و دریا و هم جان داران و بی جانان در نمی یابید ، و خداوند ایمان به آنرا واجب و مردم را از دریافت آن نومید کرد ! چون تو که همه مخلوق را به عقل در نمی یابی ! چگونه به عقل تنها در ذات و صفات حق تصرف کنی ؟ ظاهر می پذیر و باطن می سپار و به مراد خدا واگذار و سلامت به یاد دار و بدانکه خدای یکتا در بیست صفت از بیست صفت پاک و دور است :

در احدیت از انباز پاک ، در صمدیت از دریافت پاک ، در اولیت از آغاز پاک ، در آخریت از انجام پاک ، در قدیم بودن از حدوث پاک ، در وجود از احاطه پاک ، در شهود از ادراک پاک ، در قیومت از تغییر پاک ، در قدرت از ضعف پاک ، در صبر از عجز پاک ، در منع از بخل پاک ، در انتقام از حقد پاک ، در جبروت از جور پاک ، در تکبر از بغی و ظلم پاک ، در غضب از ضجر پاک ، در صنع از حاجت پاک ، در کسید از غرور پاک ، در مکر از حیلت پاک ، در تعجب از استنکار پاک ، در بقا از فنا پاک .

این است صفات خالق بی ضد و بی نظیر و بی شبیه ! و صفات مخلوق را ضدّها و شبیه ها قرین است ، بدین گونه که باحیات او ممات ، با قدرت او عجز ، با قوت او ضعف ، با منع او بخل ، با غضب او ضجر ، با مکر او حیلت ، و با انتقام او حقد و با کسید او غرور ، و با مکر او حیلت و در تعجب او انکار ، و در بقای او فنا است . تا بدانی که کیده کیدگار چون کرده مردمان نیست ، و صفات خالق چون صفات مخلوق نیست ، و خدای را در ذات و صفات و کبریاء و عزت مثل و مانند نه .

۲- هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ . آیه . کار آنست که در ازل کرد ، حکم آنست که در ازل راند ، خلعت آنست که در ازل داده ، قسمتی رفته ، نه فزوده نه کاسته ، یکی را به آب عنایت شسته ، دیگری را به میخ رد بسته ، یکی را در دیوان سعد ثبت نام کرده و بر لطف ازلی قبول کرده ! یکی را در جهریده شقی ها نام ثبت کرده و زنار رد بر میان او بسته ! و از درگاه قبول و اقبال رانده اگر وی شب و روز در راه طلب هیچ نیاسوده و با ریاضت و مجاهدت خود را نزار و نحیف گردانیده ! دست رد به سینه ایشان باز نهاده ! گروهی در بتکده معتکف گشته و ندای عزت از بهر ایشان به پای شده که شما از منید و من از شما ؟ ابراهیم خواص : (عارفی بزرگوار) شیطان را به صورت پیری در بیابان دید که می گریست ! پرسید :

ای پیر چرا می گویی ؟ گفت : از من سزاوارتر به گریستن کیست ؟ که صد هزاران سال بر درگاه خداوندی خدمت کردم و در اُفقِ اعلا از من بالاتر کسی نبود ! اکنون تقدیر خدائی و حکم غیبی بنگر که مرا به چه روز آورده ! آنگاه گفت : نگر ، تا بدین جهد و طاعت خویش غره نباشی که کار به اختیار او است ، نه به جهد و طاعت بنده ! به من یک فرمان آمد که آدم را بجهده کن ، من بجهده نکردم ! و آدم را فرمان آمد که از آن درخت نخور و خورد ! در کار آدم عنایت بود عذرش بنهاد و زلت او را در حساب نیاوردند ! و او را گفت : صاحب عزم نیست ولی مرا گفت : تکبر و خود پسندی کرده و لغزش مرا در حساب نیاورد و همه طاعت های دیرینه مرا لغزش (زلت) شمرد ! ۱۶- فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ جَايْ دِيْكَرٍ فَرَمُوْهُ : اِتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ اِبْتِدَا پرهیزگاری را

به سزاواری حق فرمان داد و در ثانی پرهیزکاری را به توانائی خلق محدود فرمود ، اول اشارت است به واجب حق ، دوم اشارت است به واجب امر ، واجب امر بیامد و واجب حق را منسوخ کرد ، زیرا خداوند بندگان را به واجب امر مطالبه و مؤاخذه کند تا کار آنها بتواند مورد عفو واقع شود ، که اگر آنان را بواجب حق بگیرد ، طاعت هزارساله با گناه هزارساله یک رنگ و یک نواخت آید !

مسئله جبر یا اختیار: اگر همه پیغمبران ، ولیان ، صفیّان ، عارفان و حق دوستان ، همگی به هم آیند ، آن کیست که طاقت آنرا دارد که به حق خداوند قیام کند ؟ یا جواب حق او باز دهد ؟ امر او متناهی است اما حق او متناهی نیست ! زیرا ، بقاء امر به بقاء تکلیف است و تکلیف در دنیا است که سرای تکلیف است اما بقاء حق به بقاء ذات است و ذات حق متناهی نیست ! پس بقاء حق متناهی نیست ، واجب امر برخیزد و تغییر کند (در لوح محو و اثبات) ولی واجب حق تغییر پذیر نیست^(۱) و چون دنیا درگذرد نوبت امر هم با وی درگذرد اما نوبت حق هرگز درنگذرد^(۲).

امروز هر کسی را سودائی در سراست که در آن می نگرند ، پیغمبران و رسولان به پیامبری و رسالت خویش می نگرند ! فرشتگان به طاعت و عبادت خود می نگرند ! موحّدان و مجتهدان و مؤمنان و مخلصان به توحید و اجتهاد و ایمان و اخلاص خود می نگرند ! ولی فردا که در پیشگاه عظمت و جلال خداوندی حاضر شوند ، پیغمبران گویند : ما را در درگاه عزت دانشی نیست ! فرشتگان گویند : ما حق پرستش تو به جای نیاوردیم ! عارفان گویند : ما تو را به حق شناسائی نشناختیم !^(۳)

۱- این معنی خود دلیل دیگر بر اختیار آدمی و آزادی اراده او در اختیار راه راست و کج در جهان امر و در جهان تکلیف است چون دنیا سرای تکلیف است پس بندگان همگی مکلف هستند و مسئول کارهای خود بوده و سزا و ثواب و عقابند !

۲- اینکه در خبر است که سعید در شکم مادر سعید و خوشبخت است و شقی هم در شکم مادر شقی و بدبخت است ! ظاهر این خبر ، جبر را می رساند و اختیار را از میان می برد ! برای رفع این اشتباه گفته اند:
اولاً- استعداد خوبی و بدی ، ارثی و تابع عاملهای محیط و وراثت از نیاگان در چندین پشت است که در لوح محفوظ ثبت شده ، ثانیاً- فضل الاهی و توسّل و توجه آدمی به خداوند و ریاضت و خدمت به خلق در لوح محفوظ و اثبات اثر می گذارد.

۳- این است معنی بندگی و حق شناسی و حق پرستی در برابر حق و خدای مطلق ! پس تا پای واجب امر در کار است ما باید به وظیفه و تکلیف خود عمل کنیم و طبق دستور پیغمبران رفتار نماییم و بخدا امیدوار باشیم که توفیق کار نیک و عمل صالح بما عنایت فرماید. اما چون مورد واجب حق باشد کمیت همه لنگ و جز فضل و لطف حق هیچ امید و پناه گاهی نیست و اداء تکلیف و وظیفه و عبادت تمام عمر و ریاضت شب و روز در برابر واجب حق گناه در برابر کوه است ! واجب حق (حق نقاته) است و واجب امر (ما استطعتم) است. ابتدا فرمان به واجب حق آمد و تکلیف سنگین شد ، پس فرمان تحفیف آمد که پرهیزکاری را به قدر واجب امر دارا شوید !

سوره ۶۵ - طلاق - ۱۲ - آیه - مدنی - جزو ۲۸

تفسیر لفظی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بنام خداوند بخشنده مهربان .

۱- یا ایها النبیؐ اذا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْضُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ . ای پیغمبر ، چون زنان را طلاق دهید (دست باز دارید) آنانرا در پاکی از حیض (قاعدگی) دست باز دارید (پیش از پاسیدن) وعده زن که به پاکی (از حیض) است بشمارید و از خشم و عذاب خداوند پرهیز نمائید ، لا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بَيْوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ أُمَّةٌ حُدِّدُوا اللَّهُ مِنْ قَبْلِهِمْ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا . آنها را از خانه بیرون نکنید (تا عده آنها به سر رود) و از خانه بیرون نشوند مگر آنکه کار فاحشی بر آنان درست گردد ، این است اندازه هائی که خداوند در دین خود نهاده و هر کس از اندازه های خدائی درگذرد بر خود ستم روا داشته ، نمی دانی شاید خداوند پس از ناسازگاری آنها مهر از دو طرف نمودار سازد و برگردند !

۲- فَمَاذَا بَلَغْنَ آجَلَهُنَّ فَمَا مَسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ . پس چون زنان به کران (آخر) عده خود رسیدند ، پس آنها را به نیکویی نگاه دارید یا به نیکویی از آنها جدا شوید (دست باز دارید) و دومرد عادل (راست استوار) از میان خویش گواه کنید ، و آن گواهی را از پهر خدا به پا دارید ، ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا . این است سخنی که به آن شما را و هر کس را که به روز جزا ایمان آورد پند میدهند و هر کس از خشم خدا پرهیزد خداوند او را از سختی و تنگی بیرون آورد .

۳- وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا . و خداوند او را روزی دهد از جایی که گمان نمی کند (نه بیوسد) و هر کس به خدا توکل کند (پشت به خدا باز کند) بسنده او است (که او را به کس نیازمند نکند) و که فرمان خداوند پیش شدنی است (و خواست او بجای رسیدنی است) و خداوند هر چیزی را اندازه ای نهاده است .

۴- وَاللَّائِي يَتِمُّنَّ مِنَ الْمَحْضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُنَّ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ آجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا . آنان که در پیری از قاعده شدن ناامیدند ، اگر شک دارید که عده آنها چه قدر است؟ پس بدانید که عده آنها سه ماه است ، و زنانیکه هنوز حیض نشده اند نیز همین عده را دارند ، وعده زنان باردار آنست که بار خود را بگذارند (هر مدت که باشد) و کسانی که از خشم خدا پرهیز دارند ، خداوند کار آنها را بی رنج و به آسانی باز سازد .

۵- ذَلِكُمْ أَمْرٌ اللَّهُ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا . این است فرمان خداوند که به شما فرو فرستاده و هر کس از خشم خدا بترسد و آزر م دارد ، خداوند بدیهای او را بستر د و نابود کند و مزد او را بزرگ کند .

۶- اَسْكِنُوهُنَّ مِمَّنْ حَبَيْتُمْ مِمَّنْ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَنْظُرُوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ . آنها را از همان توانائی که خود سکنی دارید جای دهید و به آنها زیان نرسانید و ستیزه نکنید که کار نفقه را بر آنها تنگ گیرید و اگر آبستن باشند هزینه آنها را تا زاییدن بدهید . فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَنْتُمْ يُرَوُّا بِسِنِّكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاسَرْتُمْ فَسْتَطْرِضِعْ لَهُ الْآخِرَىٰ . پس اگر برای شما به فرزند شیر دهند مزد آنها را بدهید ، و با یک دگر به نیکوئی (بی گزند و ستیز) کار باز سازید و مشاوره کنید ، و اگر با یک دگر ناسازگار و ناهموار کار باشید پس دیگری آن کودک را شیر خواهد داد ، (دایه باید شیر دهد) :

۷- لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا . کسی که توانائی دارد باید توانگرانه از مال خویش نفقه کند و کسی که توان ندارد و دنیا بر او فشرده و تنگ است باید از آنچه دارد نفقه کند، خداوند بر هیچ کس تکلیف (بار) نهد مگر به قدر آن توانائی که او را داده است ، و چه بسا که خداوند پس از هر درویشی و دشواری توانگری و آسانی دهد .

۸- وَكَآيِنٌ مِّنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَابْنَاهَا عَذَابًا نُّكْرًا . ای بسا شهرها که مردم آن از فرمان خدا و رسولش گردن کشی و سرپیچی کردند، پس ما به حساب آنها به سختی خواهیم رسید و عذاب ندیده و نشناخته آنها را خواهیم داد .

۹- فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا . پس مردم آنجا ناگواری و بدفرجایی کار خود را چشیدند و سرانجام آنها زیان بود :

۱۰- أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا . خداوند عذابی سخت برای آنها آماده کرد پس شما ای خودپسندان از خشم خدا بپرهیزید .

۱۱- رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّبِخُرُوجِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ . خداوند به آنها که گرویدند یادی (قرآن) و پیامبری فرستاد که پیغامهای روشن خدا را بر شما می خواند ، تا آنان که ایمان آوردند و کارهای نیکو کرده اند از تاریکیهای نادانی و کفر به روشنائی دانش و ایمان آورد . وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا . و هر کس به خدا ایمان آورده و کار نیکو میکند، خداوند او را در بهشتائی که آب از زیر درختان آن روان است درمی آورد ، و در آن جاویداند و خداوند او را روزی نیکو داده است :

۱۲- اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَنْزِلُ الْأَمْرُ بِأَمْرٍ بَيْنَهُنَّ لِيَتَعَلَّمُوا أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا . خدائی که هفت آسمان آفریده و از زمین هم چندان آفریده ، فرمانها را بین آنها فرو می آورد ، تا بدانید که خداوند بر هر چیزی توانا است و اینکه دانش او بر چیزی احاطه دارد و میرسد .

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - نام خداوندی لطف نشان ، کریم پیمان ، قدیم احسان ، روشن برهان ، نام خداوندی ، داننده ، هر چیز ، سازنده ، هر کار ، دارنده ، هر کس ، نام خداوندی که کس را باوی انبازنه ، و کس را از وی بی نیاز نه | نام خداوندی که زبانها ستایش به قدر سزاواری او جست و ندید ، فهمها فرا عزت او نرسید عقلها از دریافت چگونگی او برمید . ای خدائی که دانای هر ضمیری ، سزایه هر فقیری ، چاره ساز هر اسیری ، عاصیان را عذرپذیری ، افتادگان را دست گیری ، در صنع بی نظیری ، در حکم بی مشیری ، در پادشاهی بی وزیری ای من سگ کوی تو اگر بپذیری !

۱- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ آیه. بیان حکم طلاق است ، هر چند طلاق در شرع مباح است ، خداوند آنرا دوست ندارد ، رسول خدا فرمود : زن خواهید و زناشوئی کنید و طلاق مگوئید و فراق مگوئید که از طلاق و فراق عرش خدا به لرزه درآید ، و هر زنی که بی گزندی و بی رنجی از شوهر خویش طلاق خواهد ، بوی بهشت به مشام او نرسد .

لطیفه: نکاح سبب وصلت است و خدا وصال را دوست دارد ، و طلاق سبب فرقت است و خدا فراق را دشمن دارد ، عالم فراق را دیوار از مصیبت است ، و دریای فراق را آب خونابه حسرت است و روز فرقت را آفتاب نیست و شب جدائی را روز نه .

شربت تلخ فراق بر دست آن مطرود درگاه یعنی ابلیس لعین نهادندی ، و از لعنت جای ساختندی و از فراق در آن شراب افکنندی و آنرا جمله در کشیدی که جرعی از آن به سر نیامد | قدح شراب کافران پر از شربت فراق بود و قدح شراب مؤمنان پس از شربت وصال بود . قدح رحمت پر شربت وصال از کف اقبال با بدرقه افضال به جان مصطفی فرستاد و قدح کفر از دست عدل به صفت اذلال ، به ابلیس مهجور داد .
 رابعه عدوی گفته : کفر طعم فراق دارد و ایمان لذت وصال ، این طعم و این لذت فردای قیامت پدید آید که در آن عرصه سیاست گروهی گویند : فراقی است بی وصال و قومی دیگر گویند : وصالی است بی پایان و این سوختگان فراق همی گویند :

بلای او ز شبی صد هزار سال کند

فراق او ز زمانی هزار روز آرد

و افر و خنکان وصال همی گویند :

به طبل رحلت بر زد فراق یار ، دوال

سرای پرده وصال کشید روز وصال

۲- وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا آیه. روزی مردی نزد عمر خلیفه رفت و از او رجوع شغلی خواست ، خلیفه گفت : قرآن دانی ؟ گفت : ندانم که بما نیاموخته اند ، خلیفه گفت : ماکار به کسی که قرآن نداند ندهم ، آن مرد به امید آنکه خلیفه او را کاری دهد قرآن خواندن آموخت ، و از دانستن قرآن بجائی رسید که در دل او نه حرص کارونه در خواست دیدار خلیفه ماند .- چندی بگذشت ، روزی خلیفه او را دید پرسید : سراغ ما نیامدی و از ما دوری کردی | گفت : ای امیر مؤمنان تو کسی نباشی که مردم از تو دوری کنند ، لیکن چون من قرآن بیاموختم چنان توانگر گشتم که از خلق و از عمل بی نیاز شدم ، خلیفه پرسید کدام آیت است که

بدین گونه تو را بی نیاز کرد؟ گفت: آیه **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا**. آنگاه گفت: هر کس به دستور این آیت، تقوی شعار خود کند، از سه کار بیخیزد در امان است: یکی شبیه حلال و حرام دنیا، دیگری درد ورنج جان کنندن، سومی سختیهای روز رستاخیز!

۳- **وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ** آیه. این آیه در وصف مرد درویشی است که پسری داشت اسپر مشرکان شده بود، پدر نزد پیغمبر آمد و از فراق فرزند نالید حضرت او را به صبر و تقوی امر داد، آن مرد به زن خود دستور پیغمبر را بگفت، زن گفت: نیکو دستوری است و بر آن عمل کردند، چندی نگذشت که پسر با گله گوسفند آمد و گفت: من اینها را از اسپر کننده خود با اغفال او گرفتم! پدر حکم او را از رسول خدا پرسید، حضرت حلال بودن آنرا پاسخ داد و فرمود: این است نتیجه صبر و تقوی!

... **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا** آیه. تو کمال آفتابی است که از برج سعادت تابد، بادی است که از سرای قرب وزد، بویی است که بشارت وصل آرد، منزلی شریف و مقامی بزرگوار، و درجه ایست که دست هر بی قدری به او نرسد.

آن جوان مردان که قدم در میدان تو کمال نهادند ساکنان عالم قرآن بودند، پادشاهان جهان هدایت و مستان شراب نیستی، عظیم روشی داشتند که دنیا در راهشان افتاد با او اُنس نگرفتند، گوشها را بستند تا هیچ نباید شنید! دیده را از هر چه نشان حق نداشت بستند و گفتند ما تنها یکی را خوانیم و یکی را دانیم، از همه عالم او ما را بسنده و همه کارها را سازنده است.

خطاب **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ** خطاب عموم است و همه مردم از اهل تکلیف در زیر این خطابند، ولی مصطفی را خطاب خاص تو کمال رسید که فرمود: **وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ** (ای محمد)، تو کمال به خدای آزل و آبد کن که هرگز نمی میرد، یعنی رازی که گوئی با من گوی، که از رازت آگاه منم، گفتار فرزند آدم از سر زبان است و گفتار تو از میان جان است، دریغ باشد که با ایشان راز گوئی، همه با من گوی که قدر تو من دانم، ای مهتر فرزند آدم، آفرینش به حرمت و بزرگی قدم تو بر پای است، گرنه وجود تو بودی نه عالم بودی نه آدم:

گر نه سببش تو بودی ای دُرّ خوشاب آدم نزدی دمی در این کوی خراب

۱۰- **فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا**. آیه. خداوند با بعثت پیغمبر بر بندگان منت نهاد و فرمود: ما این مهتر عالم را به شما مردم فرستادیم تا شما را یاری و یادگاری باشد، نامه ما بر شما خواند، پیغام ما به شما رساند، گم شدگان را به راه نجات خواند، مهجوران را از زحمت هجران به رحمت وصال آرد، سر پرده کفر و گمراهی براندازد بساط شریعت بگستراند! ای محترمان عالی، و ای محترمان اولاد آدم، ای عقلاء عرب و عجم، خدمت و حشمت او را کمر بندید، عزت و مرتبت از متابعت او جوئید، دل در شفاعت او بندید، بندگی او را زندگی ابد دانید، چه نیک است سخنی که عزیزی در وصف او گفته:

دیو را دیوی فرو ریزد همی در عهد تو! آدمی را خاصه با عشق تو کی ماند جفا؟
نی تو دردی بودی اندر بحر جسمانی یتیم؟ فضل ما تا جیت کرد از بهر فرق انبیا!

سوره ۶۶ - تحریریم - ۱۲ - آیه - مدنی - جزو ۲۸

تفسیر لفظی

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بنام خداوند بخشنده مهربان .
- ۱- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَوْلِيَاءِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ . ای پیغمبر، چرا حرام می کنی (ببندی) آنچه را که خداوند برای تو حلال کرده (بگشاده) باین کار خشنودی زنان خود را می خواهی؟ و خداوند آمرزگار مهربان است .
- ۲- قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلِيكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ . خداوند حلال کردن سوگندها (و بازگشادن تنگی ها) بر شما فرض و مقدر کرده و او یار شماست ، و اوست دانا و راست دانش .
- ۳- وَإِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ . هنگامی پیغمبر با بعضی زنان خود (حفصه) راز کرد ، چون آن زن راز را به دیگری از زنها بگفت (به عایشه) و خداوند پیغمبر را از آن رازگویی به دیگری آگاه کرد ، پیغمبر لختی از آن قصه را در سرزنش و عتاب باز گفت و بعضی را باز نگفت ! پس چون پیغمبر آن زن راز فاش کن را خبر داد ، او گفت : چه کسی بشما این خبر (فاش راز) داد؟ فرمود : خدای آگاه و دانا مرا خبر داد .
- ۴- إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةِ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ . اگر شما (دوزن) به خدا توبه کنید ، جای دارد ، زیرا که دلهای شما از اطاعت رسول گشته و اگر هم بر او پشت شوید (روگردانید) بدانید که خدا و جبرئیل و صالح مؤمنین و فرشتگان یار و یاور او هستند .
- ۵- عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُنَّ مِنكُنَّ مَسْلَمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا . از خداوند امید است که اگر پیغمبر شما را طلاق دهد ، زنهاى بهتر از شما : مسلمان ، مؤمن ، مطیع ، توبه کار ، خداپرست ، روزه دار ، شوهر دیده ، ودوشیزه بهره او گرداند .
- ۶- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ . ای مؤمنان باز دارید از خود و از کسانی که آتشی که هیزم آن مردم و سنگ است که در آن فرشتگان ستر جگر و سخت خشان گماشته اند که از فرمان خدا سرپیچی نمی کنند و آنچه ایشانرا فرمایند می کنند .
- ۷- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَدُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا جُزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ . ای کافران امروز خود را ملامت مکنید و بوزش نخواهید ، شما را پاداش آنچه می کردید می دهند .
- ۸- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ

ای مؤمنان ، بسوی خدا توبه کنید ، توبه ای که شکستی و بازگشتی از آن نباشد ، بسا که خداوند بدیهای شمارا پیستر و ناپیدا کند و شمارا به بهشتها که جویهای آب زبرد رختان آن روان است جای دهد ، آن روزی است که خداوند پیغمبر و یاران او را خوار نگرداند . نُوْرُهُمْ یَسْمِعُ بَیْنَ اَیْدِیْهِمْ وَ یَا تَمَانِیْهِمْ یَقُوْلُوْنَ رَبَّنَا اَنْتَ سَمِیعٌ لَنَا نُورُنَا وَ اَغْفِرُ لَنَا اِنَّا اِنَّا اِنَّا عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ . در حالیکه روشنائی ایمان از پیش روی و از سوی راست آنان می شتابد و آنان می گویند : پروردگارا ، این روشنائی ما را کامل گردان و گناهان ما را بیا مرز که تو بر هر چیزی توانا هستی .

۹- یَا اَیُّهَا النَّبِیُّ جَاهِدِ الْکُفَّارَ وَالْمُنَافِقِیْنَ وَ اَغْلُظْ عَلَیْهِمْ وَ مَا وَ اِیْهِمْ جَهَنَّمَ وَ بَیِّنَاتٍ الْمَصِیْرُ . ای پیغمبر ، جهاد کن (بازگوش) با کافران و منافقان و بر ایشان درشت و سخت گیر ، و جایگاه آنها دوزخ است و بد بازگشتی است .

۱۰- وَ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِّلَّذِیْنَ كَفَرُوا امْرَاَتَ نُوْحٍ وَ امْرَاَتَ لُوطٍ کَانَتَا تَحْتَ عَبْدَیْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِیْنَ فَخَانَتَا هُمَا فَلَمْ یُعْنِنَا عَنْهُمَا مِنَ اللّٰهِ شَیْئًا وَقِیْلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدّٰخِلِیْنَ . خداوند برای کافران (از نومیدی فردای قیامت) مثلی زد ، زن نوح و زن لوط که زن دوفتر بندگان صالح خدا بودند و به شوهرهای خود خیانت کردند ، و شوهران آنها پیش خدا برای آنها هیچ به کار نیامدند و از خدای سودی به آنان نرسانیدند و به آنها گفتند باگنه کاران به دوزخ در آید .

۱۱- وَ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِّلَّذِیْنَ آمَنُوا امْرَاَتَ فِرْعَوْنَ اِذْ قَالَتْ رَبِّ اِنِّیْ لَبِیْ عِنْدَكَ بِیَمِّنًا فِی الْجَنَّةِ وَ نَجِّیْنِیْ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِیْهِ وَ نَجِّیْنِیْ مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِیْنَ . خداوند برای مؤمنان (در ایمنی از گزند کفر کافران) زن فرعون را مثل زد ، آنگاه که گفت : خداوند مرا در بهشت به نزدیک خود خانه ای بساز و مرا از فرعون و کردار او رهائی ده و مرا از گروه ستم کاران نجات ده .

۱۲- وَ مَرْیَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِیْ اَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنفَخْنَا فِیْهِ مِنْ رُوْحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كَتَبْنَا مِنْ الْقُرْآنِ لَیْنًا . (مثل دیگر) مریم دختر عمران که ناموس خود را نگاه داشت و ما از روح خویش در آن دمیدیم و او پذیرفت و سخن خداوند و کتابهای (نامه ها) او را استوار کرد (تصدیق کرد) و از فرمان برداران بود .

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، نام خداوندی که بی نام او سخن آبتن آید و بی ذکر او گفتار مختصر آید ، بی ستایش او گفتار را آرایش نیست ، بی آشنائی او اسرار را روشنائی نه ا بی خدمت او تن را نظام نیست ، و بی نعمت او جانزاقوام نه ا بی جود او وجود نیست ، بی لطف او شهود نه ا پادشاهی که صنع او بی آلت است و خواست او بی علت ، کریمی که کرم او بی خداست و قدرت او بی نهایت ا خداوند مهربانی که روز بیعت بنده حقیر را ندای اِنَّ اللّٰهَ اشْتَرٰی مِنْ الْمُؤْمِنِیْنَ اَنْفُسَهُمْ داد . و در هنگام بیان بستن ، او را قَالُوا بَلٰی اَنْتَ لَمَّا تَقُوْلُ فَرِحْتَ بِرَبِّكَ رَقْمٌ مِّنَّا الْحُسْنٰی اثبت کرد ، و روز ایثار ، بهره اش اَلزَّمَهُمْ کَلِمَةَ التَّقْوٰی کرد . این است کرم و رحمت ، این است عنایت و شفقت .

۸- یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا تُوْبُوْا اِلَی اللّٰهِ تَوْبَةً نَّصُوْحًا . آیه . (۱) ای گروندگان ، دوستان و آشنایان ،

(۱) راجع به کلمه نصوص در ذیل سوره حدیث شرحی نوشته شده است .

همه توبه کنید ، به درگاه من باز آئید ، اگر شما با من آن کردید که از شما آمد ، من هم با شما آن کنم که از من آید ، هیچ جا ناقص و معیوب نپذیرند مگر اینجا ! باز آئید ، هیچ درگاهی گناه نیامرزند مگر اینجا ، پناه به من آرید ، از نامهربانان به مهربان آئید ، از دردِ نومیدی به امید آئید ، ما را از گناه آمرزیدن باک نیست ، باز آئید ، ما را از معیوب پذیرفتن عار نیست ، باز گردید ، و آنیبوا الی ربکم بسوی خدای خود انابت جوئید که مقام انابت برتر از مقام توبت است ! انابت بازگشت بنده است به خدای خویش بادل و همت ، ولی توبت ، بازگشت بنده است از معصیت به اطاعت ! انابت ، از وادی نفاق با قدم صدق به وادی آرامش آمدن است و از وادی بدعت با قدم تسلیم به وادی سنت آمدن ! و از وادی تفرق با قدم انقطاع به وادی جمع آمدن ، و از وادی دعوی با قدم افتقار به وادی تفرید آمدن ، و از وادی خورد با قدم فاقه به سوی حق آمدن است .

اما توبت ، شفیهی است مطاع و وکیلی مشفق و ناپی کریم ، نقش گناه را محو کند و حق بشفاعت او بنده گنه کار را عفو کند ، و دیوان عمل بندگان را از عصیان و نافرمانی پاک نماید و مرد توبه کار را بامر دینی گناه برابر کند که فرمود : توبه از گناه چنان است که گناه نکرده باشد .

... عسی ربکم ان یکفر عنکم سیاتیکم . آیه . حق تعالی به هیچ طاعتی چنان خشنود نشود که به توبه ثابتان ارضای او به توبه گناه کار هم چون شادی نشنه ای است در بیابان خشک و بی آب که ناگاه به آب پاک رسد ! یا زنی نازا که آرزوی فرزند دارد (نابیوسان) نومیدانه او را بشارت فرزند دهند ! یا مسافری که در بیابانی هولناک راه و مرکب خود را کم کرده و پس از نومیدی ناگاه به راه و مرکب خویش رسد ! که این هر سه بزرگترین شادی است ولی در برابر رضای خداوند این سه شادی ارزشی ندارد ازیرا :

حکم خداوند چنان رفته که اگر کسی هفتاد سال در خرابات معصیت کند ، آنگاه روزی به خود آمده و غسل کند و لباس وفادار پوشد و به مسجد آید و باحیرت نیت کند و با حسرت دست بردارد و نماز گذارد ، هنوز نماز تمام نکرده که از جانب خداوند رحیم غفار ندا آید که ای اهل ملکوت ، ای گماشتگان در آسمانها و در زمین ، این بنده برگشته ما به درگاه ما آمده ! آبی که از دیده دردناک او بیرون آمده در خزانه رحمت ما بنهید تا فردا در عرصه قیامت ، رضوان را فرستیم تا دست او را گیرد و این ندا کند که : این آزاد کرده خداوند است که به آموزش رسیده ! چون در گناه کاری هم داغ محمد (اسلام) بر زبان داشت و هم داغ مهر ما در بر دل .

چگونگی عفو خداوند : آورده اند که چون روز قیامت نامه بنده گنه کار را بدست او دهند سر به زیر افکند و اندوهی بزرگ بر او نشیند ! حق تعالی به وی نظر رحمت کند و گوید : ای بیچاره گناه کار ، سر بردار که امروز روز آشتی است و هنگام نیاز رحمت ، بنده از شرم همچنان سر در پیش دارد ، رب عزت فرماید : به عزت من سر از پیش بردار و در جلال من بنگر ، اگر تو در دنیا آن نکردی که من فرمودم ! من امروز روز در ماندگی تو آن کنم که تو خواهی ! هر کس آن کند که سزاوار او است ! تو را که بی وفائی سزاوار تو است چنان آفریدم ! ولی سزاواری من همه وفا و کرم است ، پس جام شراب قدس به دستش دهند که یک دم در کشد و نعره زنان به زبان حال گوید :

چون عفو تو ، راه جرم من پاک به بست
زین پس همه در معصیت ، آویزم دست ا
این است که فرمود : اُولَئِكَ يَبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ . آیه . آنانند که بدیهاشان به نیکیها بدل